مرصاد یعنی کمینگاه

جواد محقق

«فَصَبَّ عَلَیهِمْ رَبُّکَ سَوطَ عذاب، اِنَّ رَبَّکَ لَبِالمِرْصادِ»

مرصادرا همه به یاد داریم. چهارسال پیش بود، درهمین روزها. روزهای گرم مرداد، درهمین ماه گرم بود که سردی قطعنامه بر آتش جنگ فرو ریخت و...

چهارسال پیش درهمین گرما، مرغانی حریص و بی نوا، بستهٔ دامی شدند، دام مرصاد. تارهای این دام خیالات خام و غرور جاهلانهٔ خشک مغزان بغداد بود، و این دام را خود بر سر راه گستراندند و آن راه به مرصاد ختم می‌شد، و مرصاد

یعنی کمینگاه. پروردگار تو در آنجا بود. آنجا مترصد بود. آنجا درکمین بود: ان ربک لبالمرصاد.

هفت هزار غرور، هفت هزار جهل، هفت هزار نفاق، هفت هزار تحلیل غلط، هفت هزار عروسک و هفت هزار امید برای آن سوی مرزها، آمدند، تا کجا؟ تا مرصاد؟ و چه آسان این راه را پیمودند و خود را به مرصاد رساندند. از «پاطاق» گذشتند، «کرند غرب» و «اسلام‌آباد» را پشت سر گذاشتند، تهران را می‌دیدند، وخیابانهای مشجر وتودر توی تهران را، و وزارتخانه‌ها را، و کاخ ریاست بر مردم را... اما، اما در گردنهٔ حسن‌آباد با مرصاد مواجه شدند، مرصاد یعنی کمینگاه وان ربک لبالمرصاد.

سرکردهٔ نفاق، بدنام و شوربخت است، منافق است، سالهاست که در زیر نقاب، چهرهٔ خود را از مردم، از جوانها، از چشمهای کم فروغ پوشانده است. این نقاب را همیشه با خود دارد، در میدان جنگ و میز سیاست. او فقط با فرهیختگان منافق نیست، با فریفتگان خود نیز نفاق می‌ورزد

مرصاد یعنی کمینگاه، وپروردگار تو آنجا بود. آنجا در کمین نشسته بود، درکمین گروهی که سالها در کمین نیک مردان روزگار، پرسه می‌زدند، تیغ خون‌آلود می‌کردند وعربده می‌کشیدند. آنها با پای خیال ورؤیا، با پاهای سازمانی خود آمدند و همین «پاها» آنها را عاقبت به جمع بی صفای دوزخیان خواهد برد و دوزخیان را از حضور ننگین خودآزرده خواهدکرد، آنقدر که آتش را فراموش کنند.

مرصاد یعنی کمینگاه و پروردگار تو در کمین نشسته بود، در کمین جاه‌طلبان بی هنری که بودنشان، قبالهٔ پیشمرگی صدام است. اما ارباب هم برای آنها ارزشی نمی‌شناخت، ارزشی در کار نبود، آنها وجه‌المعامله بودند.

سرکردهٔ آنها سالها با تمام وقاحت، از غرور وسادگی مشتی جوان ناپخته، استفاده برد. اما خود نیز بازیچهٔ غروری دیگر بود، غروری بزرگتر و وقیح‌تر، غرور ارباب، غرور صدام.

آن روز، مردم حضور داشتند و آنجا شاهد آفرینش مرصاد بودند، آن گونه که ملائک شاهد سرشتن گل آدمی بودند. مرصاد را خدا آفرید وخلق را به حضور و تماشا خواند. مرصاد تماشائی بود.

آنها خود را خادم خلق می‌خواندند، اما خلق جز خیانت از آنها چیزی ندیده بود. خیانت، انواع خیانتها، از خیانت نفاق تا پناه جستن از قاتل خونخوار مردم، قاتل هزاران جوان خلق، قاتل خوزستان تا شلمچه. خیانت یعنی پناه آوردن به طاغوت. آن هم طاغوتی که هزار فرعون دریک نگاه او فروغی ندارند.

آنها آمدند، تا کجا؟ تا مرصاد.

مرصادی‌ها هم آمدند، تا کجا؟ تا دیدار مرصاد.

مرصادی‌ها همان بسیجیان اماماند.

... وخمینی امام مرصادیها بود.

www.habilian.ir هابیلیان (پایگاه خبری، تحلیلی مطالعات تروریسم)

در حاشیه اتحاد رژیم بعث و منافقین

ریشه‌های دور تازه تجاوز نظامی عراق

عباس سلیمی‌نمین

بغداد برای خروج ازبن‌بست سیاسی و نظامی که بعداز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ازسوی تهران دچار آن می‌شد، دور جدیدی از تجاوز به‌خاك ایران را راه‌چاره دید که‌به‌سادگی نمی‌توان آن را تکرار یك اشتباه تاریخی قلمداد کرد.

تغییر شرایط سیاسی ـ که‌با پذیرش قطعنامه ازسوی ایران حاصل شد ـ تغییرات‌لازم را در سیاست‌های نظامی‌و سیاسی عراق می‌طلبد . اما عراق باموقعیت سیاسی ونظامی جدید قادرنبود به‌سادگی خودرا باتغییرناگهانی شرایط سیاسی مسائل منطقه که باپذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی‌ایران حاصل گشت ، منطبق سازد. گرچه به‌ظاهر عراق شعار صلح‌طلبی راهمواره درراس تبلیغات خود حفظ می‌کرد اما تحرکات پشت‌پرده عراقرا عملادر موقعیت دیگری قرار داده بود. گرچه این واقعیت بارخداد اخیر بخوبی بر همگان روشن شد اما تدقیق و تامل بیشتر در تحرکاتی که‌به‌طور هماهنگ در محافل‌مختلف پی‌ریزی شده‌بود ـ که بخش وسیعی از آن باپذیرش قطعنامه ازسوی ایران عقیم‌ماند زوایای جدیدی ازطرح‌ها و توطئه‌هاعلیه ملت ایران راروشن می‌سازد.

اواخر ماه گذشته برای اولین‌بار به‌طور رسمی جمعی ازنمایندگان کنگره (۱۳۹نفر) به‌همراه ۱۴ سناتور آمریکایی طی نامه‌ای به‌شولتز ، خواهان کمك به ضدانقلابیون ایران درداخل شده و کلید راه‌حل درازمدت مساله خلیج فارس را حمایت ازهمین مخالفین دراین شرایط دانستند.

چنین حرکتی، می‌توانست به‌عنوان چراغ سبزی جهت به‌اجراء درآمدن برنامه‌هائی باشد که صدام از طریق‌حمایت خود ازجریان‌های ضدانقلاب ایران دنبال می‌کرد اما باید دید باوجود اینکه شرایط سیاسی منطقه به‌طور کلی بعداز تحرك موثر سیاسی ایران تغییر کرد چه عواملی سبب‌شدتا صدام که‌این زمان ساله‌بازگشت به مرزهای بین‌المللی را مطرح می‌ساخت، تهاجم گسترده‌ای را درتمامی‌طول مرزهای مشترك به‌عنوان یك‌حرکت براندازی‌از راه تجزیه بخشی از خاك ایران آغاز کند ؟

طبیعی بود که‌در این‌راستا عراق ازدارودسته رجوی که‌به سازوبرگ‌قابل‌توجه‌نظامی تجهیزشده‌بود، بیشترین‌بهره‌برداری رابه‌عمل‌آورد .اما نکته قابل توجه دراین ارتباط، گردن نهادن سازمان به چنین طرحی بعداز تغییر شرایطدر منطقه است، زیرا طرح اشغال بخشی ازخاك ایران توسط عراق و سپردن آن به‌دست نیروهای سازمان ـ که‌یکبار درمهران‌برای مدت کوتاهی به اجراء درآمده‌بود ـ زمانی می‌توانست موثر واقع‌شود که دیگر حلقه‌های توطئه‌نیز بااین حرکت‌به‌طور همزمان پیوند لازم را می‌یافتند.

اما زمانی که غرب برای تداوم فشارها و اجرای توطئه‌های جدیدش از جهت توجیه جهانی، خلع‌سلاح شده‌است سئوال دیگری نیز مطرح می‌گردد که با چه انگیزه‌ای‌رهبریت سازمان نیروهایش را به عمق۱۵۰ کیلومتری خاك ایران به‌امید فتح تهران می‌فرستد !؟

بررسی احتمالاتی که‌بعداز برقراری آتش‌بس می‌توان برای موقعیت صدام ورجوی متصور بود شاید به‌این‌سئوالات پاسخ‌گوید.

با شرایط جدید، صدام برای حفظ جان خود در حاکمیت یا می‌بایست به تداوم حمایت و پشتیبانی قدرت‌هائی که تاکنون از وی حمایت کرده‌اند اطمینان حاصل کند و یا از حمایت نسبی در داخل برخوردار باشد. از آنجا که نقش قدرت‌ها بویژه غربی‌ها در جنایات غیرانسانی صدام (استفاده از سلاح شیمیایی علیه مردم بی‌پناه و...) تا حدزیادی‌برای افکار عمومی جهان روشن شده است برای وی بخوبی‌روشن است که آنان بعد از استقرار صلح، تغییر مهره در عراق را بهترین راه جهت فرار از شریك خوانده شدن در این جنایات ـ که چون زخمی باقی خواهد ماند ـ خواهند دید. از سوی دیگر اگر جنگ بدون هیچ دستاوردی ازنظر ارضی برای عراق پایان یابد، حتی حزب بعث نیز (به‌عنوان وابسته‌ترین تشکل به صدام) این خسارت سنگین وارد آمده به عراق را رفته رفته به‌زیر سئوال خواهد برد.

بنابراین انگیزه صدام از آخرین تجاوزاتش مشخص است. اما چرا سازمان به‌کاری تن درمی‌دهد که کارشناسان امور نظامی آن را یك «انتحارمحض» قلمداد کرده‌اند ؟

آنچه اکنون بیشتر در میان نیروهای سازمان مطرح است و صاحب‌نظران سیاسی احتمال آنرا رد نمی‌کنند، این است که سازمان در دامی که صدام برای آنان تدارك دیده بوده است درافتاد. قرائنی نیز در اثبات این نظر مطرح می‌شود از آن جمله سخنان صدام (در ۶۷/۴/۸) می‌باشد:

«عراق به سطحی از آگاهی رسیده که اگر روزی‌حر کند نابودی دشمن در سرزمینش خدمت به صلح است به‌آن دست خواهد زد... اگر به تمام این مسائلی که من اشاره کردم ایران توجه نکند مردم خودشان آنها را مجبورخواهند کرد که به صلح تن‌دردهند و این چیزی است که به‌آن ایمان راسخ دارم و قهرمانی‌های مجاهدین خلق در مهران موید این سخن می‌باشد... بالاخره روزی خواهد رسید‌که برای جنگیدن کسی به کمك آن‌ها نخواهد آمد و بعد از مدتی خواهید دید که چگونه مجاهدین خلق به اعماق خاك خودشان نفوذ خواهند کرد و همین‌طور پیوستن مردم ایران به صفوف آن‌ها را خواهید دید.»

با توجه به عملکرد نظامی عراق نسبت به حرکت سازمان، که برای هموار کردن راه نیروهای سازمان‌حتی در عمق این منطقه دست به بمباران‌های شیمیایی زد اما با آغاز حمله نیروهای اسلام به آنان کمترین تحرکی ازخود نشان نداد، این نظر قوت می‌گیرد که صدام بعد از استقرار آتش‌بس یکی از مشکلاتش را نیروهای سازمان می‌دیده‌که خود آنان را به پیشرفته‌ترین تسلیحات مجهز ساخته بود.

آنچه در این میان کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد اینکه رهبریت سازمان نیروهایش را صرفا با تشویق های صدام به چنین کاری بگمارد. آنچه مسلم است طرح‌سازمان در چهارچوب یك‌سری اقدامات گسترده از سوی محافل مختلف می‌توانست به عنوان بخشی از نیروهای عراقی، دستاوردی برای آنان داشته باشد اما زمانی‌که سازمان‌تداوم حیات خود را با برقراری آتش‌بس سخت متزلزل می‌بیند، دست به اقدامی می‌زند که هرگز نمی‌تواند به آن به‌منزله یك حرکت نظامی برای تجزیه بخشی از خاك ایران‌نگریست. بعضی از محافل سیاسی براین اعتقادند از آنجا که با استقرار آتش‌بس تغییر فاز (از نظامی به سیاسی) عملا سازمان را متلاشی خواهد ساخت و رهبریت سازمان قادر نخواهد بود نتیجه سیاست خود را در زمینه وابسته ساختن خود به عراق برای نیروهایش توجیه کند، به اعتقاد این محافل پس از استقرار آتش‌بس نیروهای سازمان قدرت انتخاب نخواهند داشت زیرا حتی حامیان اروپائی و آمریکائی‌آنان حاضر نخواهند بود در چارچوب فاز سیاسی پذیرای آنان باشند .

اصولا چنین نیروهائی حتی به اعتقاد آنان فاقد اعتبار سیاسی جهت اعتماد خواهند بود. ضدامپریالیست‌های پروپاقرص دیروز که امروز به‌صورت عمله و اکره دست دوم امپریالیست درآمده‌اند چه تضمینی خواهد بود که فردا به‌صورت دیگری در نیایند؟

با لحاظ نظرات فوق صدام و رجوی هرکدام به‌طور مستقل چاره‌ای جز کشانیدن نیروهای سازمان به راهی بی‌بازگشت نداشته‌اند (که به منزله تیری در تاریکی‌انداختن می‌باشد).

البته تحلیل های خوشبینانه‌تری نیز وجود داردبه‌اینکه با بخشی از امکانات نظامی عراق، نیروهای سازمان به‌عنوان بخشی ازکل، کاری کنند که کل طی چند سال تجاوز به‌خاك ایران نتوانست به آن دست یازد بلکه بیشتر ازکل حتی به فتح تهران نیز نائل آیند. اگر بپذیریم که غرور ـ مخصوصا از نوع مفرط آن ـ انسان را کور می‌کندشاید بتوان این نظریه را پذیرفت. برای صدام و رجوی که بیش از هرزمان سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است ـ یکی با برقراری صلح سخت از ملت خود در وحشت‌به‌سر می‌برد و دیگری از نیروهائی که با تحلیل های آنچنانی در عراق گرد آورده است ـ یك‌راه وجود دارد و آن‌ایجاد اخلال در جهت تحقق آتش‌بس و اجرای مفاد قطعنامه که ظاهرا غرب نیز نسبت به این‌امر بی‌میل نیست.

دکتر ولایتی پس از انجام ششمین دور مذاکرات با خاویرپرز دکوئیار اعلام کرد

ایران درمورد کلیه مسایل فنی مربوط به‌اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت با دبیر کل سازمان ملل به‌توافق رسید

دکتر ولایتی وزیر خارجه پس از انجام ششمین دور مذاکرات خود با دبیرکل سازمان ملل گفت: تقریبا درکلیه مسائل فنی مربوط به قطعنامه ۵۹۸ بین ایران و دبیرکل توافق و تفاهم وجود دارد .

بنابرگزارشات رسیده ششمین دور مذاکرات وزیر خارجه کشورمان با خاویرپرزدکوئیار در مورد برنامه زمانبندی اجرای طرح دبیرکل پس از مرحله آتش‌بس برگزار شد.

گزارش های رسیده همچنین حاکی است که رژیم‌عراق هنوز در زمینه آتش‌بس اظهارنظری نکرده است.

وزیر خارجه کشورمان همچنین در مقر سازمان ملل با نمایندگان دائمی شوروی و ژاپن دیدار و گفتگوکرد.

گزارش های دریافتی در این زمینه را در زیر می‌خوانید:

ایران روز دوشنبه اعلام کرد که در باره آتش‌بس با خاویرپرزدکوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد به‌توافق رسیده است.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از یونایتدپرس محمدجعفر محلاتی نماینده ایران در سازمان ملل بعد از مشورت با «لی‌لویه» نماینده چین در سازمان ملل که ریاست شورای امنیت در ماه جاری را به عهده دارد گفت: همه‌چیز برای اعلام روز موعود (آتش‌بس) آماده است.

وی ضمن اشاره به قطعنامه ۵۹۸ که خواهان عقب نشینی نیروها، مبادله اسرای جنگی، اقدام جهت گفتگوهای صلح و ایجاد یك هیات جهت تعیین مسئولیت جنگ‌است گفت: ما آماده هستیم تا فورا قطعنامه ۵۹۸ را به‌مورد اجرا بگذاریم.

این گزارش می‌افزاید که هنوز اظهار نظری در مورد آتش‌بس از سوی عراق نشده است.

محلاتی روز دوشنبه موضع دولت متبوع خود مبنی‌بر عدم امکان انجام گفتگوهای مستقیم با عراق قبل از اعلام آتش‌بس را تکرار کرد ولی جزئیات موافقت (ایران) با پرزدکوئیار را فاش نساخت .

محلاتی به خبرنگاران گفت: بطور حتم ما خواهان‌یك آتش‌بس عادلانه با دوام و جامع هستیم. و قطعنامه ۵۹۸ باید با آتش‌بس شروع بشود.

وی افزود: دکتر علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه به درخواست پرزدکوئیار موافقت کرده است در نیویورك بماند ولی بطور یقین وزیر خارجه نمی‌تواند تسلیم تاکتیکهای تعویق‌انداز طرف عراقی بشود.

● گزارش ششمین دور مذاکرات دکتر ولایتی با دکوئیار

به گزارش واحد مرکزی خبر دکتر ولایتی وزیر خارجه کشورمان پریروز ششمین دور مذاکرات خود را با خاویرپرزدکوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد درمورد جزئیات فنی مربوط به قطعنامه ۵۹۸ و طرح دبیرکل برای اجرای قطعنامه به‌پایان رساند.

وزیر خارجه کشورمان بعد از این دیدار اعلام کرد: تا آنجا که به جمهوری اسلامی ایران مربوط است درحال حاضر تقریبا در کلیه مسائل فنی مربوط به قطعنامه بین جمهوری اسلامی ایران و دبیر کل توافق و تفاهم وجود دارد.

وی تاکید کرد که در حال حاضر کلیه اعضای‌شورای امنیت و اکثریت قریب به اتفاق اعضای سازمان ملل متحد از موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کنند و کج‌رفتاری عراق در اشکالتراشی برسر راه اجرای قطعنامه را مردود میدانند، بطوریکه امروز دنیا میداندکه حق باجمهوری اسلامی ایران است و طرفی که مانع همکاری بادبیر کل و سازمان ملل متحد است ایران نیست و شاید نامربوط نباشد که عراق را دچار نوعی انزوای سیاسی فرض کنیم.

دکتر ولایتی قبل از دیدار خود با دبیر کل سازمان ملل با نماینده چین و رئیس جدید شورای امنیت نیز دیدار کرد.

دکتر ولایتی باتوجه به حساسیت و اهمیت کارشورای امنیت در مرحله کنونی و لزوم جدیت رئیس شوراردرپیشبرد امور ، وظیفه شورای امنیت را در رابطه بانقض قطعنامه ۶۱۲ شورای امنیت در مورد مسایل شیمیائی گوشزد کرد.

وزیر خارجه کشورمان به استناد گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد که عراق را مسئول استفاده از سلاحهای شیمیائی معرفی کرده ، تنبیه رژیم عراق در چهارچوب تحریم فروش مواد شیمیائی به این رژیم را مورد تاکید قرارداد.

در عین حال منابع دیپلماتیك در سازمان ملل‌متحد اعلام کردند که فشار روی عراق برای قبول آتش‌بس‌و اجرای قطعنامه ۵۹۸ و همکاری بادبیر کل بسیار زیاد شده است و احتمالا دبیر کل سازمان ملل متحد این هفته وبعد از دریافت گزارش هیات کارشناسی نظامی سازمان ملل‌متحد روز و تاریخ آغاز آتش‌بس را اعلام خواهد کرد.

● دیدار نماینده دائمی شوروی در سازمان ملل با وزیر امور خارجه

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از نیویورك نماینده اتحاد جماهیر شوروی در سازمان ملل متحد روز گذشته باوزیر امور خارجه کشورمان دیدار و گفتگوکردند.

در این دیدار نماینده شوروی اظهار داشت که درحال حاضر موقعیت مناسبی برای پایان بخشیدن به جنگ فراهم شده است.

دکتر ولایتی نیز به بیان مواضع جمهوری اسلامی ایران در زمینه همکاری سازنده بادبیر کل پرداخته و در مورد اخلال عراق در روند مذاکرات مطالبی ایراد نمود.

نماینده شوروی اظهار داشت که دولت متبوعش تلاش می‌کند که جنگ در چهارچوب قطعنامه ۵۹۸ و طرح‌اجرایی دبیر کل به‌پایان رسد و در این راه اعضای دائمی شورا حامی تلاش‌های دبیر کل هستند.

دوطرف همچنین در مورد روابط دوجانبه بحث‌وتبادل نظر کردند.

● دیدار دکتر ولایتی بانماینده دائمی ژاپن در سازمان‌ملل

دکتر ولایتی وزیر امور خارجه کشورمان روزگذشته همچنین بانماینده ژاپن در سازمان ملل دیدار کرد وباوی در زمینه‌های مختلف به گفتگو پرداخت.

در این دیدار ابتدا نماینده ژاپن قدردانی دولت متبوع خویش را از تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران‌برای ایجاد صلحی پایدار در منطقه ابراز داشت و اظهارامیدواری کرد که معاون وزارت امور خارجه ژاپن در هفته آینده‌از تهران دیدار کند.

همچنین در این دیدار روابط دوجانبه و گسترش‌آن بویژه پس از جنگ و ادامه همکاری‌های مشترك در طرح های مختلف صنعتی مورد تبادل نظر قرار گرفت.

نماینده ژاپن در پایان اظهار امیدواری کرد که‌هرچه سریع‌تر اعلام آتش‌بس توسط دبیر کل انجام گیرد.

توسط معاونت عملیات و اطلاعات ستاد فرماندهی کل‌قوا

جزئیات طرح مشترک منافقین و رژیم عراق برای پیشروی تا تهران فاش شد

شعبانی معونت عملیات و اطلاعات ستاد فرماندهی کل‌قوادریك گفتگوی‌اختصاصی با صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نتایج مقاومت و تاکتیك پیروزمندانه سپاه اسلام در برابر توطئه مشترك رژیم بعثی عراق و منافقین در مناطق عملیاتی غرب کشور را تشریح کرد. وی گفت: استکبار جهانی، منافقین و رژیم بعث عراق در یك مثلث شوم قصد باصطلاح براندازی نظام جمهوری اسلامی راداشتند

در این توطئه نیروهای متجاوز عراقی قصد داشتند در مرحله اول با ورود بداخل مرز های میهن اسلامیمان و تصرف چند شهر قوای اسلام را در بخش جنوبی جبهه‌نبرد متمرکز نموده تا نیروهای کج اندیش منافقین درمحور مواصلاتی دیگری با یك برنامه از پیش تعیین شده به سرعت خودرا به تهران‌رسانده وموجودیت حکومت دمکراتیك خلق را اعلام نمایند که استکبار شرق و غرب نیز آماده هرگونه حمایت از این برنامه بودند.

شعبانی افزود: نیروهای منافقین این مزدوران استکبار براین اساس و این تفکر که قبول قطعنامه ۵۹۸ وشرائط سیاسی‌و اقتصادی ایران‌خواهد توانست آنها را در این‌برنامه شوم یاری نماید، در منطقه سرپل ذهاب به همراهی ارتش متجاوز بعث عراق وارد خاك جمهوری اسلامی ایران شدند و سپس‌ازتنگه «پاطاق» سوی شهر کرند شروع به‌پیشروی کردند.

معاونت عملیات و اطلاعات ستاد فرماندهی کل‌قوا افزود: قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران منافقین ساده اندیش را وارد مهلکه‌ای کرد تا انتقام خون شهدای بی‌گناهی همچون هفتاد و دو تن گرفته شود.

وی افزود: ستاد فرماندهی کل‌قوا با کسب اطلاعات‌فراوان به این توطئه شوم پی‌برد و توسط نیروهای اسلام با یك برنامه منظم در مناطق مختلف عملیاتی ضمن مقابله باتهاجمات ارتش بعث عراق در جنوب کشور نیروهای منافقین رانیز در غرب کشور بکلی منهدم کرد.

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: سپاهیان اسلام با آزاد گذاردن نیروهای‌هفت هزار نفری‌منافقین که ازسوی ارتش بعث عراق به انواع سلاحها تجهیز شده بودند تا نزدیکی شهر باختران آنها را بدام انداخته و در مدت ۴۸ ساعت ۴۸۰۰ تن از نیروهای منافقین‌رابا‌تمام تجهیزات اهدائی ابرقدرت ها نابود ساختند و تعدادی نیز در روستا های این منطقه پراکنده شده‌اند که بعضا توسط اهالی دستگیر و تحویل سپاه اسلام داده شدند.

وی درپایان‌گفت: نیروهای کوردل منافقین به این امید که در طول مسیر خود تا تهران از سوی مردم مورد حمایت قرار خواهند گرفت وارد ایران اسلامی شدند.البته این منافقین در همان گامهای اول با پاسخ دندان شکن مرزنشینان قهرمان میهن اسلامی‌مان روبرو شدند.خاطر نشان می‌سازد:

مزدوران استکبار جهانی فاصله سرپل ذهاب تا تهران را به ۵ منطقه تقسیم کرده بودند.همچنین‌تعداد۱۲۰دستگاه تانك ۴۰۰ دستگاه نفربر ۹۰ قبضه‌خمپاره اندازه ۸۰میلیمتری ۳۰ قبضه توپ ۱۲۲ میلیمتری، ۱۵۰قبضه خمپاره۴۰۰ میلیمتری هزار قبضه آرپی‌جی، ۷۰۰ قبضه تیربار کلاشینکف، ۳۰ قبضه توپ، ۱۰۶ میلیمتری و هزار دستگاه‌کامیون وخودرو از سوی رژیم بعث عراق در اختیار گروهك منافقین قرار گرفته بود.

در عملیات منهدم ساختن مزدوران استکبار جهانی ـ عملیات مرصاد ـ مقادیری تجهیزات نظامی و اسناددرون گروهی، عکس پاسپورت پول عراقی نقشه های کامل شهر های ایران و قرص سیانور بدست رزمندگان اسلام افتاده است.

نیروهای عراقی از ارتفاعات مرزی شمال غرب و یك جبهه مهران وادار به عقب‌نشینی شدند

نیروهای عراقی از ارتفاعات مرزی شمالغرب و یك جبهه مهران طی نبردهای دیروز وادار به عقب‌نشینی شدند.

حمله نیروهای کماندوئی دشمن در ارتفاعات مرزی شمالغرب کشور دفع شد.

این حمله توسط کماندوهای سپاه پنجم عراق و پشتیبانی آتش توپخانه انجام‌شده‌بود که با مقابله شدید و آتش‌همه‌جانبه رزمندگان اسلام مواجه شد.

دشمن در پی این مقابله وادار به عقب‌نشینی شد. همچنین ۱۶ تن از کماندوهای عراقی به اسارت رزمندگان‌اسلام درآمدند نیروهای عراقی در جبهه ملکشاهی استان ایلام واقع در منطقه عمومی مهران بامداد دوشنبه گذشته مورد حمله رزمندگان اسلام قرار گرفتند. در جریان این حمله که‌از ساعت ۵ بامداد آغاز شده بود، دشمن با بجا گذاشتن ۲۷۰ کشته و زخمی وادار به عقب‌نشینی از منطقه «بن‌رحمان» شد.

نبردهای «بان‌رحمان» کدبا همکاری رزمندگان اسلام و عشایر منطقه ملکشاهی آغازشده بود در ارتفاعات «گردل» «معارف» و «سیادران» به جنگ تن به تن کشیده شد.

دشمن در این نبرد یك‌فروند هلیکوپتر خود را نیز ازدست داد وسرنشینان هلیکوپتر نیز بهلاکت رسیدند.

بنابه همین گزارش نبرد شدید در ارتفاعات شمالی‌مشرف بر منطقه مهران‌هم‌اکنون ادامه دارد و دشمن در حال فرار از منطقه است.

● بمباران شیمیائی منطقه اشنویه

ارومیه ـ خبرنگار کیهان

رژیم عراق ساعت ۲٫۴۵دقیقه بامداد دیروز بخشی ازمنطقه اشنویه در استان آذربایجان غربی را بمباران شیمیائی کرد.

در این حمله ۴ نقطه از غرب اشنویه هدف قرار گرفت که اکیپهای امدادی بلافاصله وارد عمل شدند وبه پاکسازی منطقه پرداختند.

● عصر یکشنبه گذشته نیز اطراف ۶ روستای مریوان در دونوبت توسط هواپیماهای عراقی بمباران شد.این‌حملات حومه روستاهای ساوجی، نجی، گروران، انجیران، درتقی و پیرصفا را دربر گرفت.

● رزمندگان سپاه ۹ بدر حرکت نیروهای ویژه ارتش عراق را در منطقه«هور ـ الهویزه» شناسائی و سرکوب کردند. در این حمله ۵۰تن از نفرات ارتش عراق به هلاکت رسیدند

کمین در محورهای ارتباطی دهوك عراق

● در جریان یك عملیات کمین موفق در جاده اصلی سرسنگ به سوارتگ در نزدیکی روستای تاجیك از توابع استان دهوك عراق با انهدام ۴ دستگاه خودرو نظامی حامل تجهیزات‌ونفرات دشمن بیش از ۴۰ تن از مزدوران صدامی کشته و یا زخمی شدند.

برپایه این گزارش رزمندگان اسلام همچنین با اجرای آتش سنگین توپخانه برروی چندین پیگاه و مقر گردان حناطنی دشمن در محور یادشده موفق شدند ضایعات و تلفات سنگینی‌را برپیکر روبزوال ارتش بعث عراق وارد سازند.

● شهادت معاون لشکر علی ابن ابیطالب و فرمانده تیپ ۱۲ قائم

سنان ـ معاون لشکر۱۷ علی‌ابن ابیطالب (ع) و نیز فرمانده طرح و عملیات‌تیپ ۱۲ قائم آل‌محمد (ص) در جریان فتوحات اخیر رزمندگان اسلام در عملیات پیروزمندانه «مرصاد» به‌خیل شهدای والامقام اسلام‌پیوستند.

بگزارش‌خبرگزاری‌جمهوری اسلامی شهید حاج محمود اخلاقی معاون لشکر ۱۷علی ابن ابیطالب (ع) یکی از فرزندان و یاوران راستین امام امت بودو اوباآغازجنگ تحمیلی بسوی جبهه شتافت‌و با شرکت در ۱۶ عملیات مختلف از طریق‌القدس تا مرصاد همواره چون سدی استوار در برابر تجاوزات صدامیان از خدا بی‌خبر ایستاد و بارها مجروح‌گردید و در یك عملیات از ناحیه چشم معلول شد و سرانجام خون خویش را تقدیم‌انقلاب و اسلام نمود.

شهید حاج محمود اخلاقی از خانواده‌ای مستضعف و کناورز در سنن پابه عرصه وجود نهاد و در طول‌زندگی خود در پیش از انقلاب در تمامی صحنه‌ها حضور داشت‌و علیه رژیم ستم‌شاهی مبارزه کرد. وی پس از پیروزی انقلاب نیز به سپاه پیوست‌و از ابتدای ورود به این نهاد به کردستان رفت و درمقابل تمامی حرکتهای ضدانقلاب به مصاف با آنان پرداخت.

همین گزارش حاکیست: شهید محمدرضا خالصی فرمانده طرح و عملیات تیپ ۱۲ قائم‌آل‌محمد (ص) استان سنان یکی از فرماندهان مومن و خوش‌فکر سپاه‌پاسداران بود که از خطه لاله‌خیز سنان به‌خیل شهدای گرانقدر اسلام پیوست.

وی نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد سپاه پاسداران‌شد و با آغازاقدامات تجاوزکارانه رژیم صدام به مرزهای میهن‌اسلامی عازم‌جبهه های نور علیه ظلمت گردیدو در ۱۱ عملیات‌شرکت کرد. او در عملیات طریق‌القدس از ناحیه پا مجروح‌گردید و در ماههای متمادی در ستهای مختلف علیه‌تجاوزگران صدامی جنگید.

شهیدخالصی در سال ۱۳۳۸ در سنان و در خانواده‌ای مذهبی و مستضعف بدنیاآمد و از لحاظ اعتقادی تابع دستورات و فرامین امام عزیز بود.

● تشکیل‌جلسه ستاد فرماندهی کل‌قوا

جلسه ستاد فرماندهی کل‌قوا دوشنبه گذشته در یکی از مناطق عملیاتی‌میهن اسلامیمان تشکیل شد.

در این جلسه نتایج‌تحولات و تحرکات نظامی‌و پیروزیهای اخیر سلحشوران اسلام در مناطق مختلف عملیاتی مورد بررسی قرار گرفت.

بمباران امروز دو واحد کارگری ـ صنعتی کشورمان

هواپیماهای رژیم متجاوز عراق در ادامه شرارتهای خود صبح امروز (چهارشنبه) دو واحد کارگری صنعتی را در استانهای بوشهر و لرستان بمباران کردند . بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی براثر بمباران امروز دشمن خسارتی به واحدهای مذکور وارد شده است.

از میزان تلفات جانی این حملات گزارش نرسیده است.

به مناسبت بیعت «غدیریان» با امام

«ولایت آزاد»

... باری ای ولایت خونین!
در ویرانی کوچه‌ها و کاهگل‌های تو
حجله‌گاه سرخ هزاران ساره گمنام است
اخترانی که هرشام،
روشن
و در پریشانی شب
روشن‌تر می‌تابند.

●

این بار ویرانی خاستگاه من
آبادی عشق است
و برپیشانی هزیمت خصم
انتشار زردی ننگ
در سطور تاریخ.
و ضبه مادران سوگوار
یگانه همسفر آفتاب و باد
در کوچه باغهای تنهایی
که از فرزندان آفتاب می‌سرایند

●

باری ای ولایت آزاد!
درفش عشق
بربلندای تو اینك
اهتزاز نعره شمشادهای جوان است
که هرسحرگاه
آزادی تو را
با کبوتران بهاری
برفراز شهر
بانگ می‌زنند .
اینك بخوان !
با خروش اروند
برخفتگان این خاك:
برخیزید
برخیزید
که بالهایم آزادی را قسمت می‌کند

● انشین سرفراز

خبرهای کوتاه‌سیاسی

● بمناسبت عید سعید غدیر تلگرام‌های شادباشی از سوی اسقف اعظم ارداك مانوکیان خلیفه ارامنه تهران برای حضرت امام خمینی ، آیت‌الله العظمی منتظری ، حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی ، میرحسین موسوی ، حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای ، آیت‌الله موسوی اردبیلی و حجت‌الاسلام محتشمی وزیر کشور ارسال گردید.

در تلگرام خلیفه ارامنه تهران به محضر امام خمینی آمده است : بمناسبت فرارسیدن عید غدیر افتخار دارد تبریکات صمیمانه خود ، شورای خلیفه‌گری ارامنه و کلیه ارامنه را به حضور مقام معظم رهبری تقدیم داشته و طول عمر حضرتعالی و توفیق و سعادت بیشتر ملت شریف‌ایران را در پرتو رهبری داهیانه آن مقام عالیقدر از خداوند متعال مسئلت نمائیم.

● حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی موحدی کرمانی طی حکمی از سوی فقهای شورای نگهبان به عضویت شورای عالی آموزش و پرورش منصوب شد. یادآوری می‌شودقبلا حجت‌الاسلام والمسلمین محمد یزدی عهده‌دار سمت فوق بوده است.

● حجت‌الاسلام سید محمود هاشمی سخنگوی مجلس‌اعلای انقلاب اسلامی عراق باارسال پیامی خطاب به ملت‌های مسلمان جهان و ملت مسلمان عراق ضمن اعلام بیعت باامام امت و اطاعت از رهنمودهای ایشان از برادران مجاهدو مبارز عراقی دعوت کرد تاحضور خود را در جبهه‌ها هرچه بیشتر و فعالتر نمایند.

کشتی باری فیلیپینی در خارج از تنگه هرمز منفجر و سپس غرق شد

یك‌کشتی باری کوچك‌فیلیپینی سحرگاه امروز(چهارشنبه) درخارج‌ازتنگه هرمز منفجروغرق شد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس بنقل‌از مسئولین کشتیرانی مستقر در خلیج فارس گزارش داد: هنوز ان علت انفجار و بروز تلفات یا جراحات اطلاع دقیقی در دست نیست.

به‌گفته منابع مذکور کشتی یاد شده ۱۸۷۰ تن وزن و «فاطیما» نام داشته ویك‌ناوفرانسوی که در حوالی محل حادثه‌بوده به‌کمك آن شتافته وهفت خدمه کشتی را نجات داده است.

منابع کشتیرانی محل انفجار کشتی رادر حدود ۴۸ کیلومتری ساحل عمان درخلیج فارس وقریب ۸۰کیلومتری شرقی بندر خورفکان تعیین کردند.

این منابع که بشرط عدم افشای نامشان صحبت‌می‌کردند گفتند امکان دارد این حادثه براثر نقص موتور رخ داده‌باشد اما اینان احتمال برخورد بامین را رد نکردند.

مرحله دوم تحقیقات هیات اعزامی ایکائو در بندرعباس آغاز شد

● این هیات پس‌از انجام تحقیقات عازم دوبی خواهدشد.

بندرعباس ـ خبرنگار کیهان :

شب گذشته هیاتی به‌سرپرستی مشاور ریاست هواپیمایی کشوری جمهوری اسلامی ایران و ۵تن از کارشناسان‌اعزامی ایکائو جهت انجام مرحله دوم تحقیقات خود و بررسی‌در محل وقوع حادثه واردبندرعباس شد. به گزارش خبرنگارما محمود حاج قاسم علی مشاور ریاست هواپیمائی کشوری جمهوری اسلامی ایران در جمع خبرنگاران اظهار داشت : هیات اعزامی در مرحله‌دوم از فرودگاههای استان هرمزگان بازدید وازقطعات بدست‌آمده هواپیما و همچنین محل وقوع حادثه وگوش دادن به‌مکالمات رادیوئی وکاوش در منطقه خواهد پرداخت.

وی افزود: این‌هیات‌درتهران پس‌از بازدید از فرودگاههای هواپیمائی کشوری وهواپیمائی جمهوری اسلامی وگوش دادن به‌مکالمات رادیوئی بین فرودگاههاو خلبانان به‌مرحله اولیه تحقیقات خود پایان داد.

وی اضافه کرد: احتمالا این‌هیات از فرودگاه دوبی نیزبازدید خواهد کرد که‌پس‌ازآن نتایج بدست‌آمده را به شورای بین‌المللی ایکائو تسلیم خواهدکرد.

وی همچنین درمورد چگونگی و کیفیت کار هیات گفت : این‌هیات یك‌تیم حقیقت‌یاب است و تمامی جوانب را بررسی‌خواهدکرد، واین یك واقعیت است که حرف‌ما حق‌است وتاامروزهم‌آنچه حقایق‌بوده دراختیار هیات قرار داده‌ایم.

از سوی دفتر امور اتباع و مهاجرین خارجی

مدارك موردنیاز برای صدور کارت شناسایی مهاجرین افغانی اعلام شد

دفتر امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در اجرای طرح شناسائی کامپیوتری آوارگان افغانی با انتشار اطلاعیه‌ای از کلیه آوارگان افغانی مقیم جمهوری اسلامی ایران خواست که به هنگام مراجعه به شعبه شناسائی‌مدارك ذیل را به همراه داشته باشند.

۱ ـ عکس ۳×۲ شش قطعه تمام رخ از هرفرد. ۲ ـ عکس دسته‌جمعی خانوار ۲ قطعه (پاسپورتی). ۳ ـ پاکت نامه یك عدد ۴ ـ پوشه یك عدد ۵ ـ فیش بانکی.

شماره و کد تلکس راه‌آهن اعلام شد

روابط عمومی راه آهن جمهوری اسلامی جهت آگاهی کلیه شرکت های داخلی و خارجی و سازمان ها و نهاد های دولتی که از طریق تلکس با راه‌آهن ارتباط‌دارند کدو شماره تلکس داخلی و خارجی این سازمان را اعلام نمود.

براساس این گزارش شماره وکه تلکس فارسی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران (راه‌آهن ط ۲۱۶۰۸۸)وکدو شماره تلکس‌لاتین(R. A. I I R ۲۱۳۱۰۳) تعیین شده و کلیه سازمان هاو شرکت هامیتوانند جهت مخابره تلکس وهرگونه سئوال در این زمینه با شماره تلفن ۵۵۸۱۰۷ که به این‌امر اختصاص داده شده تماس حاصل نمایند.

تبریك و تسلیت به همکاران

با اطلاع شدیم فرزند آقای سیدحمزه موسوی‌سام و برادر همکارمان محسن ابدی در جبهه‌های نور علیه ظلمت به فیض شهادت نائل‌شده‌اند شادت فرزند وبرادر همکارانمان‌را به بازماندگانشان تبریك وتسلیت میگوئیم.

مورد نیاز اجاره شرکت آلمانی
برای سکونت پرسنل خود نیاز فوری به چند دستگاه آپارتمان و ویلای مبله و غیر مبله در شمال شهر دارد
۲۲۶۰

www.habilian.ir هابیلیان (پایگاه خبری، تحلیلی مطالعات تروریسم)

بازدید خبرنگاران از آثار جنایت فجیع رژیم عراق در اشنویه و مجروحان بمباران شیمیائی

ستاد فرماندهی کل قوا اعلام اعلام کرد: خلبانان شجاع نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران صبح دیروز در سه ماموریت جداگانه محل‌های تجمع، استحکامات، ادوات و خودرو های زرهی ارتش متجاوز عراق در منطقه‌عملیاتی مقابل چزابه‌را به شدت‌بمباران کردند و خسارات و تلفات سنگینی به نیروهای عراقی وارد ساختند.

این عملیات‌در ساعات ۷٫۵۰، ۹٫۵۵ و ۹٫۵۷ توسط چندفروند ازشکاری‌بمب‌افکن های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی صورت گرفت.

براساس‌این گزارش خلبانان سرافراز کشورمان پس ازانجام موفقیت آمیز ماموریت های محوله همگی سالم به پایگاه های خود بازگشتند.

تجاوز هواپیماهای متجاوز عراقی به حریم هوائی اهواز با عکس‌العمل به موقع آتشبار های ضد هوائی دفع شد.

گزارش خبرنگار خبرگزاری جمهوری‌اسلامی حاکیست‌بعداز ظهر دیروز هواپیماهای دشمن به حریم هوائی اهواز تجاوز کردند که باعکس‌العمل به موقع پدافند هوائی مواجه و قبل از انجام هرگونه عملی متواری شدند.

همچنین به گزارش واحد مرکزی خبراز بوشهر درادامه تجاوزات رژیم‌جنگ افروزعراق به‌حریم هوائی کشورمان‌ساعت ۱۱٫۵۰ پیش‌ازظهر دیروز یك فروند از هواپیماهای متجاوز عراقی با تجاوز به حریم‌هوایی بوشهر دیوار صوتی را برفراز این شهر شکست.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی روز گذشته گشت هوائی‌برفراز خلیج‌فارس و دریای عمان توسط هواپیما های نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران بطور موثر انجام و عابرغم دریافت یك اخطار از سوی ناوهاخارجی فعالیت و استقرار ۱۵ فروند کشتی تجارتی، نفتکش و ناو پیگانه شناسائی ورهگیری‌شد.

همچنین توسط ناوگان‌نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی گشت دریائی انجام و تردد و فعالیت های شناور های‌خارجی در تنگه هرمز تحت کنترل قرار گرفت.

همچنین با آنان پرخطر و دقیق رزمندگان پرتوان اسلام بروی مواضع نیروهای بعثی عراق‌در منطقه عملیاتی صلح‌آباد و کولان دشمن با تحمل تلفات و ضایعات مجبور به عقب نشینی از مواضع خود گردید.

بازدید خبرنگاران خارجی از آثار و مجروحان بمباران شیمیائی اشنویه

ارومیه ـ خبرنگارکیهان: جمعی‌از خبرنگاران‌عکاسان‌و فیلم برداران خبرگزاری ها و رادیو تلویزیون های خارجی به دعوت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عصر دیروز از مناطق بمباران شده شیمیایی شهر اشنویه و مجروحین و صدومین جنایت جدید رژیم صدام بستری در یك بیمارستان ارومیه بازدید کردند.

به گزارش خبرنگاران رویتر، کانال یك تلویزیون ایتالیا، رادیو فلاندو عکاسان کلکتیو در این بازدید ضمن مشاهده محل های اصابت‌بمب شیمیایی در یك منطقه‌مسکونی شهر اشنویه خبر، عکس، فیلم و مصاحبه هائی با مردم تهیه کردند.

در این بازدید علی سعادت معاون سیاسی استانداری آذربایجان غربی در محل اصابت بمب ها در گفتگوئی با خبرنگاران خارجی اظهار داشت: تاکنون براثر این حمله در اشنویه ۲۲۶۵ نفر مجروح و مصدوم شناسائی شده‌اند که از این تعداد ۲۶۰ تن در بیمارستان های ارومیه، میاندوآب و تبریز بستری شده‌اند. وی افزود: در جریان بمباران شیمیایی اشنویه۸ بمب به‌محلات امام،تهرپر، برده زرد و نزدیکی گورستان عمومی‌شهر اصابت کرده است. وی‌افزود: در این جنایت، رژیم متجاوز عراق از هواپیما های کاگارین استفاده کرده و در حالی که مردم در حال استراحت مطلق شبانه بسرمی‌بردند در ساعت ۲٫۴۵ بامداد روز سه‌شنبه یازدهم مرداد ماه جاری زنان و کودکان را آماج بمب های شیمیایی قرار داده است.

براساس اظهارات معاون سیاسی‌استاندار آذربایجان‌غربی هنوزهم پس از گذشت سه‌روز از بمباران شیمیایی تعدادی از اهالی شهر از آثار بمب های شیمیایی رنج می‌برند و به تدریج به بیمارستان ها مراجعه می‌کنند.

محمد جعفر یکی از اهالی اشنویه نیز به خبرنگاران اظهار داشت: به عقیده من امروز دیگر تنها نوشتن جنایات رژیم صدام کافی نیست باید هرچه‌سریعتر از طریق سازمان ملل‌با محکوم کردن این جنایت فکر اساسی برای جلوگیری از بکار بردن سلاح شیمیائی توسط عراق‌بعمل آید.

وی افزود: حدود چهارصد تا پانصد خانوار از اهالی جنوب غربی شهر اشنویه دراین بمباران‌آسیب دیده‌اندوهمچنین بسیاری از باغات و مزارع منطقه براثر این بمباران غیرقابل استفاده شده است.

عبدالرحمن برزنجی نماینده مردم نقده و اشنویه در مجلس شورای اسلامی نیز در گفتگو با نماینده رادیو فنلاند و خبرگزاری رویتر اظهار داشت: اگر محکومیت صدام‌درسازمان ملل جدی بود وی ۲۴ ساعت پس از این محکومیت دست به جنایت جدیدی نمی‌زد. بهنگام ورود و خروج خبرنگاران خارجی به شهر اشنویه و در محل اصابت‌بمبها به‌خصوص در خیابان کارگر اشنویه اقشار مختلف مردم‌این شهر با شعارهای «مرگ‌برصدام و ما مقاوم ایستاده‌ایم» از خبرنگاران استقبال و آنان را بدرقه کردند. خبرنگاران خارجی سپس به ارومیه بازگشتند و در یك بیمارستان این شهر از مجروحین و مصدومین بمباران شیمیائی گزارش، عکس و فیلم تهیه کردند.

ضمنا خبرنگاران با پزشکان و مجروحین بستری در بیمارستان مصاحبه‌هائی انجام دادند.

دکتر مهری مدیرکل‌سازمان منطقه‌ای بهداری و دکتر علی آصف پزشك معالج مجروحین در توضیحاتی به خبرنگاران اظهار داشتند که رژیم صدام بار دیگر علیه مردم اشنویه از گازهای خردل و عوامل شیمیایی اعصاب و فلج کننده استفاده‌کرده است. این مواد شیمیائی به گفته‌پزشکان مذکور اثرات آنی و نیز دیررس دارند که خبرنگاران از گونه‌های آثار بمبها در مجروحین فیلم‌برداری کردند. حسین عثمانی مجروح ۱۴ ساله در پاسخ به سئوال خبرنگار رویتر اظهار داشت: همه ما مجروحین ایرانی هستیم و میدانیم که صدام جنایتکار است و به همین‌خاطر بدون‌هیچ گناهی مردم اشنویه را با بمب های شیمیائی هدف قرار داد.

در این بازدید همچنین‌حال وخیم دو زن و چند کودك شیرخوار آسیب‌دیده خبرنگاران را شدیدا تحت تاثیر قرار داد.

پائولو چیالاتینو خبرنگار کانال اول تلویزیون ایتالیا در پایان این بازدید در گفتگوئی باخبرگزاری‌جمهوری اسلامی‌اظهارداشت: بامشاهداتی که امروز من داشتم‌بکارگیری سلاحهای شیمیائی واقعا وحشتناك و تکان‌دهنده است. من مشاهدات خود را همراه با فیلم به جهانیان عرضه خواهم کرد ولی باید به کارگیری سلاحهای شیمیائی هرچه سریعتر محکوم و منع شود.

وی با اشاره به اینکه در میان مصدومین هیچ فرد نظامی را مشاهده نکرده است افزود: منطقه بمباران شده نیز غیرنظامی است و مسلم است که این بمباران توسط عراق صورت گرفته است. یادآوری میگردد رژیم متجاوز عراق‌در هفتم تیرماه سال گذشته نیز با بمباران شیمیائی شهر سردشت در آذربایجان غربی حدود ۷ هزار تن از اهالی را مجروح و ۱۸۰ نفر را شهید کرد.

لندن ـ خبرگزاری جمهوری اسلامی:

بمب‌افکن‌های نیروی‌هوائی رژیم عراق ده روستای کردنشین شمال این کشوررا مورد حمله شیمیائی قرار دادند که دراثرآن ۱۱ غیر نظامی کشته و صدها تن دیگر مجروح شدند.

حزب دمکرات کردستان عراق ضمن اعلام این مطلب افزود: حملات شیمیائی در روز شنبه‌ویکشنبه گذشته در منطقه «شقالوه» در استان اربیل صورت گرفت.

منطقه یادشده درحدود ۱۰۰ کیلو متری مرز ایران و ترکیه در داخل عراق قرار دارد.

یادآوری میشود در اسفند ماه سال گذشته نیز هزاران تن از ساکنان شهرکردنشین (حلبچه) در اثر بمباران شیمیائی رژیم عراق کشته و زخمی شدند.

آنکارا ـ خبرگزاری جمهوری اسلامی:

در اثرتهاجم هوائی‌وزمینی نیرو های صهیونیستی عراق برعلیه مخالفین کرد شمال عراق گروهی از مخالفین کرد کشته و قریب به یکصد تن از زنان و کودکان‌عراقی ساکن نوار مرزی به ترکیه پناهنده شدند.

گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از آنکارابه نقل از روزنامه حریت حاکیست رژیم‌عراق چهارشنبه گذشته با کلیه امکانات و تجهیزات هوائی و زمینی روسا های‌کردنشین دیارسور، گلیرس و دست‌بزارگیر را مورد تهاجم توپ و تانك و بمباران‌هوائی‌قرار داد که این‌تجاوزات تا عصر پنجشنبه ادامه داشت.

به گزارش حریت به‌نقل از خبرنگار خود در نوار مرزی شیرو واقع در سه کیلومتری منطقه مورد تهاجم، پس از تهاجم نیروهای بعثی عراق درگیری خونینی بین پیشمرگان کرد عضو حزب دمکرات کردستان و نیروهای رژیم عراق بوجود آمد که صدای انفجارات‌بخوبی شنیده می‌شد.

این گزارش‌همچنین‌حاکیست قریب به یکصد تن از زنان و کودکان ساکن مناطق یاد شده با گذشتن ازنوار مرزی حاجی‌بی وارد خاك ترکیه شده و به این کشور پناهنده شده‌اند.

به‌گزارش حریت تعدادی از پناهندگان مجروح بوده‌و تحت مداوا قرار گرفته‌اند.

● پیکر پاك پاسدار شهید جانعلی کرمی قائم‌مقام قرارگاه نجف اشرف به همراه جمعی دیگر از شهدای گرانقدر عملیات غرورآفرین مرصاد پنجشنبه در میان شعار های مرگ‌بر صدام، مرگ‌بر منافق و مرگ‌بر امریکای هزاران تن ازمردم باختران وخانواده‌های شهدا از مسجد جامع تا مزار شهدای این شهر تشییع شد.

اهداء لوح‌دست خط امام به فرماندهان و خلبانان شجاع هوانیروز باختران

باختران ـ لوح دست خط‌حضرت امام مبنی بر تقدیر ازفرماندهان وخلبانان شجاع هوانیروز باختران که در عملیات بزرگ وغرور آفرین مرصاد دلاوریها ومجاهدتهای بیدریغ آفریدند پنجشنبه گذشته طی‌مراسمی به آنان اهداء شد.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این مراسم‌که بهمین منظور برگزار شده‌بود، گروهی‌از فرماندهان، سرپرست دایره عقیدتی سیاسی وپرسنل هوانیروز شرکت داشتند.

این گزارش حاکیست: سرپرست دایره سیاسی عقیدتی هوانیروز دراین مراسم خطاب به‌این حماسه‌سازان عرصه‌شرف وایثار گفت: شماغرور آفرینان که درراستای‌اهدافروحبخش اسلام تلاش میکنید این باردرمصاف بامنافقین کوردل برگ زرین دیگری برمجموعه افتخارات خویش افزودید.

توسط رئیس شورای عالی دفاع در جمع رزمندگان

ایران تهدید کرد در صورت تجاوز مجدد عراق به مرزها، ضربه اصلی را وارد می کند

چنانچه حکام بغداد دربرخورد باقطعنامه ۵۹۸ منافقانه عمل کنند وما را به‌حملات نظامی تهدید کنند، جوانان رزمنده ماآماده‌اند تا ارتش شکست خورده عراق را تارومار کنند.

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس شورای عالی‌دفاع ضمن اعلام مطلب فوق درجمع گروه کثیری از رزمندگان اسلام دریکی از مناطق عملیاتی، افزود: ما به‌احترام نظر امام‌که قطعنامه راقبول فرموده‌اند، نمی‌خواهیم شروع کننده باشیم و وارد خاك عراق شویم، اما اگردشمن دچار اشتباه دیگری شود وباردیگر قدم به‌داخل خاك ما بگذارد جوانان ماآن‌روز، ضربه‌اصلی رابه‌دشمن واردخواهند ساخت.

رئیس شورای عالی دفاع سپس درمورد حمایت پنهانی برخی قدرتها ازعراق گفت: بعضی ازقدرتهای جهانی در حال‌حاضر پشت‌سرصدام هستند و اورا بهارتکاب جنایات‌بیشتر وعدم قبول قطعنامه ترغیب میکنند واگر لازم باشد ما تمام آن‌قدرتها رابرای ملت خودومال آزاده جهان فاش‌میکنیم.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی: رئیس‌شورای عالی‌دفاع سپس گفت: صدام تصور میکند بااتخاذ این‌شیوه‌ها نظام ما را وادار به‌عقب‌نشینی میکند اما سخت دراشتباه‌است. زیرا جمهوری اسلامی یك دولت نیست بلکه مجموعه‌ای از عناصر مبارز وقهرمانی است‌که بارها درطول ده‌سال گذشته درراه حفظ آرمانهای انقلاب جان به‌کف‌به‌میدان رزم‌رفته‌اند. این ملت ملتی است مقاوم وهرگز شکست نخواهد خورد. ملتی‌که ازمرگ نمی‌ترسد هرگز حرف زور را قبول نمی‌کند. حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای خطاب به‌رزمندگان اسلام گفت: قدرت نظامی و رزمی خودرا تازمانی حفظ کنید که دشمن رابطور کامل وادار به‌عقب‌نشینی نمائید. از قدرت شما نباید یك‌سرسوزن کاسته شود وظیفه ما اینست که جان خودرا درراه حفظ آرمانهای مقدس انقلاب فداکنیم ودشمن بداند که درمورد ملت ایران دچار اشتباه شده است. ملت ایران زور راقبول نمی‌کند وقبول قطعنامه ۵۹۸ به معنای قبول زور نیست.

رئیس جمهور افزود: رژیم عراق ازیکسو اعلام‌میکند که‌قطعنامه ۵۹۸ راقبول دارد وازسوی دیگر طرح اجرائی دبیرکل راقبول نمی‌کند وبه‌موازات تلاش دبیر کل برای برقراری آتش‌بس رژیم‌عراق شهرهائی مثل اشنویه رابمباران شیمیایی میکند وصدها انسان بیگناه را میکشد.

رئیس شورای عالی دفاع افزود یکی از برکات قبول قطعنامه ۵۹۸ این است که تبلیغات دروغین دشمن خنثی شده وثابت کردکه هرچه ما درطول هشت سال جنگ درباره خباثت صدام گفته‌ایم صحیح بوده‌است. ما پس ازقبول قطعنامه از لحاظسیاسی درموضع قوت و قدرت قرارگرفته‌ایم واین موضع تااین ساعت روبه رشد بوده‌است.

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای در پایان، قبول‌قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت راازسوی جمهوری اسلامی باصلح‌حدیبیه پیامبر مقایسه کردوافزود: آن صلح باعث تحکیم اسلام و قبول این قطعنامه باعث ریشه‌دار شدن انقلاب و جمهوری اسلامی گردیده است.

رئیس شورای عالی دفاع درادامه سخنانش به علل‌حمله نظامی به‌جمهوری اسلامی ازسوی استکبار پرداخت و گفت: استکبار میلیاردها دلار خرج کردکه ما را ضعیف کند اما ما پس از ۸ سال جنگ قوی‌تر شده‌ایم.

● **دیدار بافرماندهان نیروی زمینی**

بنابهمین گزارش حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس شورای عالی دفاع ورئیس جمهور که درجریان اقامتش در جبهه‌های نبرد، دریکی از قرارگاههای عملیاتی بافرماندهان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد. دراین دیدار که سرلشکر ظهیرنژاد نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع و سرتیپ سلیمی مشاور نظامی رئیس جمهور حضور داشتند پس از ارائه گزارشهایی از سوی فرماندهان، رئیس جمهور وریاست شورای عالی دفاع‌رهنمود هائی به‌آنان ارائه کرد.

همچنین درجلسه‌ای که ریاست شورای‌عالی دفاع در یکی ازقرارگاههای سپاه اسلام بافرماندهان عملیاتی داشت، آخرین وضعیت جبهه‌های حق علیه باطل و نیز نیازهای لجستیکی پاره‌ای از واحدهای رزمی مورد بررسی قرار گرفت.

دراین جلسه فرماندهان عملیاتی گزارشی از وضعیت رزمی وحضور نیروهای مردمی در جبهه‌های نبرد را به رئیس جمهوری ارائه کردند.

بمناسبت هفته ولایت و امامت ـ۲

لزوم ابراز عشق و علاقه به‌عترت پیامبر (ص)

قائم مقام محترم رهبری که خود از فقهاء بنام جهان اسلام واز مروجین و پیشاهنگان «اتحاد مسلمین» و وحدت صفوف برادران سنی و شیعه درسراسر جهان دربرابر جبهه کفر و استکبار جهانی میباشند، ایام ولادت مبارك حضرت ختمی مرتبت را بعنوان «هفته وحدت» اعلان داشته‌اند، در کنار دعوت مسلمانان به‌وحدت کلمه وایجاد الفت، موانست وبرادری هرچه بیشتر به‌منظور آشنائی مسلمین با اهل‌بیت پیامبر خود وادای برخی از حقوق واجب خاندان عترت طهارت نیز پانزدهم شعبان روز تولد حضرت قائم (عج) رابعنوان «روز جهانی مستضعفین» وایام ۲۵ـ۱۸ ذیحجه هرسال را بعنوان «هفته ولایت وامامت» اعلان داشته‌اند.

از مجموع‌اینهامی‌فهمیم‌که منظور از «اتحاد» و «وحدت» نه اتحاد مذاهب اسلامی است. که مثلا هرمذهبی از اعتقادات و یا احکام فقهی خود دست بردارد و به‌عقیده و فقه مذهب دیگری عمل نماید، (قائم مقام رهبری موکدا در سخنان خود دردیدار بااقشار مختلف‌مردم کرارا به‌این حقیقت اشاره کرده‌اند) بلکه حصول وحدت مسلمین و برادری‌آنان دربرابر جبهه کفر و شرك جهانی است، ونیز از چنگ‌زدن بدامان پاك خاندان عصمت و طهارت و«ریسمان ولایت»،نه تجویز تفرقه مراداست، بلکه لزوم ابراز عشق وعلاقه ومودت به‌عترت پیامبر وقبول خط وحق امامت وحکومت آنان‌ونواب عامه‌شان درعصر غیبت، یعنی فقهاء واجد شرایط، مقصود می‌باشد، که بنابر نص روایات، عترت «سیاستمداران امت وخلق ـ سائسالعباد ـ بودند، وپیروان خط ولایت نیزباید این‌راه را ادامه بدهند».

اینجاست که نه عافیت‌طلبان ورفاه‌جویان «ضد وحدتی مدعی ولایت» میتوانند شعار مقدس «وحدت مسلمین» را منافی‌با «اصل ولایت» وانمود کرده وعوام فریبی‌نمایند، ونه ملاها ومفتی‌های درباری وابسته به رژیم‌های مزدورعربی وغیره میتوانند باطرح شعار شیطانی وتفرقه‌انگیز «جدائی شیعه وسنی»، به مقاصد شوم وناپاك استعماری خودبرسند، چرا که کدام مسلمان معتقد (اعم از شیعه‌وسنی) است که قرآن واسلام وکعبه را بپذیرد و ائتلاف واتحاد صفوف‌وبودن درکناراهل قبله رابه بودن درکنار بیگانگان ترجیح‌ندهد؟ وکدام مسلمان است که همه آیات قرآن راعاشقانه بپذیردو طبق نص‌قرآن مجید خود را پایبند «مودت ذی‌القربی» و خویشان پاك پیامبرش نکند، وبه اهل بیت طهارت عشق نورزد ؟!

درحقیقت باید گفت: ولایت حقیقی عترت و امامت،عشق ومودت به آنان واطاعت عملی وپیروی درتمام شئون‌عقیدتی اجتماعی، سیاسی، وفکری ازآنان میباشد، یعنی باید دید حضرت امیر (ع) ودیگر ائمه معصومین (ع) مشی عقیدتی، سیاسی واجتماعی‌شان دربرابر سایر فرق مسلمین ویا کفار ومشرکین‌چگونه بوده است، این را بشناسیم و پیروی نمائیم.

پس هفته ولایت وهفته وحدت دوشعار متضاد بایکدیگر نیست بلکه مکمل هم میباشند، چرا که‌ولایت علوی و عترت طاهره پیامبراکرم (ص) هرگز مدعی تفرقه و جنگ داخلی بین مسلمین و درمسیر منافع آمریکا واسرائیل نخواهدبود، همانگونه که‌وحدت مسلمین هم‌هرگز بمعنی زیرپا گذاشتن‌و پایی‌اعتنائی به عقائد ناب ومعارف حقه وفقه غنی وپربار تشیع نخواهد بود واگر کسی چنین تفسیری از وحدت ویا ازولایت بکند، یاجاهل است ویا مغرض و وابسته.

ازاینروست‌که باید گفت: «هفته ولایت» نه ویژه شیعیان، بلکه متعلق به همه مسلمانان عاشق اسلام، پیامبر و خاندان پیامبر است، وفرصتی است بسیار مناسب برای ابراز مودت به «ذی‌القربی» واعلان بیعت مجدد بااولیاء وائمه شهیدی همچون حضرت سیدالشهداء سبط شهید خاتم پیامبران، وکدام مسلمان آزاده ومعتقد است که نخواهد دربرابر سردمداران‌جاهلیت این‌قرن وجبهه جهانی استکبارومهیونیسم غاصب‌قدس شریف، خطرنج شهادت‌طلبی‌و مقاومت‌سیدالشهداء را، با افتخار تمام‌سرلوحه زندگی خود قرار ندهد؟! «هفته ولایت» تجلی این‌همه‌معانی ومقاصد درقالب دقایق وساعات قرار گرفته درایام ۲۵ـ۱۸ ذیحجه میباشد.

بویژه درامسال ودرشرایط خاص کنونی انقلاب که‌توطئه بزرگی ازناحیه قدرتهای شیطانی ودشمن بعثی‌تدارك شده، هفته ولایت فرصت مناسبی برای «بیعت مجدد» با مقام‌معظم ولایت فقیه ورهبری انقلاب حضرت امام خمینی دامت شوکته میباشد، تا آدمخواران مدرن این قرن، نپندارند که امت اسلام از امام خودفاصله گرفته است.

ازاینرو بایسته است که‌هفته ولایت را بشناسیم وببینیم که درروزهای هجدهم تابیست‌وپنجم نیجحه چه اتفاقاتی افتاده است که فقیه عالیقدر اسلام، همه‌ساله آن روزها را بنام «هفته ولایت» اعلان داشته‌اند؟

بنابراین مروری در حوادث هفته ولایت کرده وبایك‌نگاه سریع وگذرا وقایع مهم آن را ازنظر میگذرانیم:

«مروری برحوادث مهم هفته ولایت»

روزهای ۲۵ـ۱۸ ماه ذیحجه الحرام که بنام «هفته ولایت» اعلام گردیده، درصدر اسلام‌و درسالهای‌متعدد، ظرف وقوع حوادث و پیامدهای برجسته و بسیار مهمی دررابطه باحضرت امیرالمومنین علی (ع) وهمه خاندان عصمت و طهارت پیامبر اسلام (ص) بوده است، که مجموع آنها بیانگر جایگاه بلند وشایسته این خاندان پاك درمتن اسلام وجامعه اسلامی، ونیز حقوق فوق‌العاده عاطفی، اجتماعی و سیاسی آنان برامت مسلمان درهمه ادوار میباشد، که باید همگان در ادای آن حقوق کوتا باشند. اصل تشریع ولایت وامامت علی (ع) نیز درهمین ایام صورت گرفته است.درهر صورت اهم حوادثی که دراین روزها، طی سالهای متعددو مختلف درباره ذی‌القربی ونیز امامت خاندان عترت واعلان طهارت وعصمت آنان از جانب خدا واقع شده،از این قرار میباشند:

۱ ـ «حادثه غدیر»:

واژه «غدیر» درزبان عربی بمعنای «برکه» میباشد، و عربها آن‌جاهای گودی را که‌بهنگام نزول باران و جریان سیل، درآن‌آب فراوان جمع میشد، ویك «برکه» ودریاچه کوچك پدید می‌آمد، «غدیر» می‌نامیدند. درفاصله بین‌دو شهر مقدس «مکه» و «مدینه» نیز ازاین «غدیرها» کم نبود، ویکی از آنها نیز اصطلاح محلی «غدیر خم» نام داشت (۶) سرزمین غدیر در دومیلی‌سرزمین «جحفه»قرار دارد که ازجمله میقاتهای حج است و درسه منزلی شهر مکه وهفت منزلی شهر مدینه قرار دارد.

رسولخدا (ص) درسال دهم هجرت، روز هیجدهم ماه ذیحجه به هنگام بازگشت از آخرین سفر حج خود که در تاریخ به «حجةالوداع» معروف است، طبق دستور خداوندو بانزول آیه شریفه ذیل درکنار برکه غدیر خم به همه‌حاجیان فرمان توقف توسط پیامبر شده بود، ازاین قرار میباشد:

«ای پیامبر! آنچه را که ازجانب خدایت «درباره‌امامت علی (ع)» بتورسیده، به‌مردم برسان، اگر این کار راانجام ندهی، مثل این است که رسالت اورا بجای نیاورده‌ای، و خداوند ترا از مردم حفظ میکند.» (۷)

پیام خداوند مبتنی براین بود که باید علی‌بن‌ابیطالب(ع) درآنجا (غدیرخم) برای حاجیان که بسیار زیاد بودندو ازتمام سرزمینهای اسلامی گرد آمده بودند، بعنوان ولی‌امر وامام بعدازپیامبر معرفی شود. وبدینوسیله بود که مردم متوقف شدند ورسول‌خدا (ص) نیز طی مراسم آشکار ویژه‌ای «علی(ع)» را بعنوان جانشین خود برای امامت امت معرفی و از طرف خدا منصوب کردند.(۸)

این حادثه مهم تاریخی رابمناسبت محل وقوع آن «واقعه غدیرخم» می‌نامند وتام‌عید سعید غدیر خم نیز به همین مناسبت میباشد، این حادثه بزرگ اسلامی در تاریخ توسط حاضران آن‌صحنه روایت وگزارش شده است و درکتابهای متعددشیعه وسنی مضبوط است، بلحاظ فزونی شمار روایتگران آن واینکه هیچ‌احتمال کذبی درآن وجود ندارد، دراصطلاح کلامی و تاریخی نام آن‌را «روایت متواتر غدیر» می‌نامند، وقید «متواتر» ازآن جهت بدان افزوده شده است که از نظر علماء حدیث وتاریخ، وقوع تاریخی آن کاملا یقینی‌و غیرقابل تردید است.

(۶) ـ ر.ك: تاریخ العرب قبل‌الاسلام ۲۵۵، دکتر سید عبدالعزیز سالم، چاپ اسکندریه.

(۷) ـ سوره مائده ۶۷.

(۸) ـ برای آگاهی بیشتر درباره واقعه غدیر خم در منابع فارسی به فروغ ابدیت ج ۲ر۴۷۹ـ۴۷۳، و درمنابع عربی به کتاب پرارج «الغدیر» علامه امینی ر.ج۱ مراجعه فرمائید.

گروه بیشمار دیگری از نیروهای رزمی به‌صفوف رزمندگان جبهه‌ها پیوستند

در ادامه عزیمت بسیجیان و نیروهای رزمی تخصصی از سراسر کشور به جبهه‌های نبرد، گروه‌های دیگری از رزمندگان نیز به صفوف رزمندگان پیوستند.

کرمان ـ چهارمین کاروان نیروهای داوطلب مردمی استان کرمان از شهرستان‌های کرمان، رفسنجان، جیرفت، کهنوج، زرند، بم، بافت، شهر بابك، بردسیر و سیرجان بهمراه امام جمعه و نماینده مردم بم و فرماندارشهرستان بافت راهی میادین نبرد شدند.

سنندج ـ جمع کثیری از بسیجیان شهرستان بیجار و گروهی از نیروهای داوطلب مردمی ز شهرستان سقز.

ارومیه ـ ٤ تیپ از نیروهای آموزش‌دیده و اعزام مجدد شهرها و بخش‌های استان آذربایجان غربی تحت‌عنوان کاروان تجدید بیعت با امام ز شهرستان ارومیه عازم جبهه های حق علیه باطل شدند. این کاروان متشکل ازروحانیت و برادران شیعه و سنی منطقه آذربایجان غربی، چندتراز نمایندگان مردم و گروهی از مسئولان ادارات و نهادها بودند.

ارومیه ـ همچنین جمع کثیری از نیروهای داوطلب مردمی شهرهای ارومیه، خوی، سلماس، ماکو، نقده، پیرانشهر، اشنویه، میاندوآب تکاب، صائین‌دژ، سیه چشمه، متشکل از کارمندان، اصناف، دانش‌آموزان، دانشجویان، فرهنگیان و نیروهای اعزام مجدد از شهرستان ارومیه‌عازم میادین نبرد نور علیه ظلمت شدند.

این نیروها را جمعی از ائمه جمعه مناطق‌مختلف استان، روحانیون و نمایندگان مردم آذربایجان غربی در مجلس همراهی می‌کردند.

ورامین ـ خبرنگار کیهان

صدهانفرازجهادگران،پاسداران‌سپاه‌پاسداران‌انقلاب‌اسلامی و کمیته، بسیجیان دماوند، به همراه حجج اسلام‌محمودی، کریمی ائمه جمعه ورامین و قرچك، گروهی از روحانیون، قمی نماینده ورامین، جوادیان فرماندار و تعدادی از مسئولان ادارات، گروهی از کارکنان فرمانداری و دیگر ادارات ٥ گردان از نیروهای تازه‌نفس رزمی، تخصصی‌و پشتیبانی سپاه پاسداران به صفوف رزمندگان پیوستند.

بروجرد ـ خبرنگار کیهان:

اساتید، کارکنان و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد و جمعی از کارکنان شبکه بهداشت و درمان شهرستان بروجرد شامل نیروی درمانی و رزمی به‌منظور دفاع از حریم میهن اسلام عازم میادین نبرد حق علیه باطل شدند.

همچنین به همراه این عده مقادیر قابل توجهی دارو و وسائل پزشکی به جبهه‌های نبرد ارسال شد.

بندر عباس ـ خبرنگار کیهان

صدها تن ازنیروهای رزمی تخصصی‌و کارکنان دولت از استان هرمزگان، و گروهی از نیروهای رزمی جزیره هرمز، جمعی از روحانیون وهنرمندان بصورت یك‌کاروان فرهنگی تبلیغی از سوی سازمان تبلیغات اسلامی بندرعباس به جبهه‌های نبرد اعزام شدند.

رباط کریم ـ خبرنگار کیهان

گروهی از رزمندگان بسیجی بهمراه حجت‌الاسلام صادق‌زاده امام جمعه این شهر به جبهه‌ها عزیمت کردند.

گروه کثیری ازبسیجیان، روحانیون، بخشدار وکارکنان ونماینده مردم اشنویه نیروهای رزمی تخصصی میاندوآب همچنین سه‌گردان ازنیروهای مردمی از ارومیه، خوی، سلماس، نقده و تکاب بهمراه نیروهای مهندسی رزمی ستاد پشتیبانی‌جنگ‌جهاد سازندگی آذربایجان غربی‌عازم جبهه‌های نورعلیه ظلمت شدند.

زاهدان ـ جمعی از بسیجیان استان سیستان وبلوچستان از شهرهای زاهدان، زابل، ایرانشهر، چاه‌بهار، سراوان، و خاش، راهی جبهه‌های نبرد شدند.

فیروزکوه ـ چهارمین کاروان اعزام سریع سپاهیان حضرت محمد(ص) از فیروزکوه، بهمراه کلیه اعضای‌پایگاه مقاومت و انجمن اسلامی روستای نجفدر از توابع فیروزکوه عازم جبهه‌ها شدند.

شهرکرد ـ خبرنگار کیهان:

گروه کثیری از نیروهای تازه‌نفس رزمی‌ـ تخصصی ضمن شرکت در راهپیمائی بیعت با امام از سراسر استان چهارمحال و بختیاری به جبهه‌های نبرد عزیمت‌کردند.

همچنین ٤ گردان از نیروهای بسیجی، سپاهی و مردمی و عشایر به همراه استاندار و جمعی از مسئولان دستگاه‌های اجرائی این استان عازم جبهه‌های جنگ شدند. در این اعزام حجت‌الاسلام حسینی امام جمعه لردگان، استاندار، یکی از نمایندگان مجلس، مسئولان ادارات‌دولتی و نهادهای انقلابی و جمعی از کارکنان ادارات و ارگان‌ها از شهرستان‌های شهر کرد، لردگان، بروجن، فارسان، اردل نیز به صفوف رزمندگان پیوستند.

اردبیل ـ جمعی از نیروهای امدادی، تخصصی، خدماتی و رزمی سازماندهی شده، توسط جمعیت هلال احمر و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرمی مرکز شهرستان مغان راهی مناطق جنگی کشورمان شدند.

بوشهر ـ دومین گردان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان بوشهر از شهرستان های دشتستان، تنگستان، گناوه، دیر، کنگان، دشت و بوشهر پس‌از سازماندهی عازم صحنه‌های مقاومت شدند. همچنین تعدادی ازنیروهای مردمی شامل راننده، امدادگر و کادر خدماتی از محل جمعیت هلال احمر برازجان عازم مناطق جنگی شدند.

سمنان ـ یك اکیپ نیروی فنی تخصصی جهت یاری کفرسنیزان سپاه اسلام از طریق ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی شهرستان دامغان و یك گروهان رزمی تخصصی از جهاد سازندگی شاهرود رهسپار مناطق جنگی شدند.

همچنین گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان‌آموزش دیده پادگان شهید کلاهدوز سمنان منشکل از برادران بسیجی از شهرهای سمنان، دامغان، شاهرود و گرمسار، راهی سرحدات جنگی میهن اسلامیمان شدند.

گرمی ـ گروه کثیری از نیروهای تخصصی و امدادی و رزمی، از سوی جمعیت هلال‌احمر گرمی راهی عرصه‌های نبرد شدند.

اهواز ـ حجت‌الاسلام طرفی امام جمعه موسنگردبه همراه کمك‌های ارسالی مردم حزب‌الله دشت آزادگان به جبهه‌ها عزیمت کرد.

لرستان ـ جمع کثیری از نیروهای تخصصی طی چند روز گذشته، از سوی دفتر نمایندگی وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در استان لرستان راهی میادین دفاع مقدس شدند. همچنین ۲ گردان نیروی رزمی از مشمولان و نیروهای رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی این دفتر به عرصه‌های پیکار اعزام شدند.

ناهرود ـ یك گروهان از نیروهای طرح انصار ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی ناهرودمتشکل از ٥ نفر از نیروهای جهادگر، اداری داوطلب مردمی با تخصص های مختلف فنی و خدماتی راهی جبهه‌ها شدند.

یاسوج ـ یك اکیپ رزمی تخصصی از کارکنان اداره کل کشاورزی و منابع طبیعی استان کهکیلویه و بویراحمد از یاسوج عازم میادین نبرد شدند.

قزوین ـ گروهی ازفرهنگیان و نیروهای‌آموزش‌دیده مردمی ازتاکستان راهی جبهه‌های جنگ شدند.

شیراز ـ یك گردان رزمی ازبسیجیان داوطلب بخش قیر وکازرین استان

هابیلیان (پایگاه خبری، تحلیلی مطالعات تروریسم) www.habilian.ir

دیدگاه

تفاهم ملی ضرورت حیاتی انقلاب

برآگاهان سیاسی پوشیده نیست که مقطع کنونی از حساسترین مقاطع انقلاب است. این حساسیت تا بدان‌حد رخ می‌نماید که حتی شرایط بحرانی سالهای آغازین پیروزی و جنگ در قیاس با آن رنگ می‌بازد.

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ماشین متحرك انقلاب یکی‌از گردنه‌های هولناك را پشت‌سر گذاشت اما لاجرم شرایط جدیدی را رقم زد که ویژگی‌های خطرآفرین و ضربه‌پذیر فراوانی را به‌همراه آورد. از سویی در معرض تهاجم دیپلماتیك و اقتصادی دشمنی قرار گرفته‌ایم که یك‌دهه در معرض جدی‌ترین تحقیرهای ناشی از انقلاب‌واقع شده است و از دیگرسو عرصه‌ستیز و مخالف‌خوانی برای‌نیروهایی که در داخل کشور از سوی مردم و جریان اصیل انقلاب، ضربه خورده و به انزوا گرائیده بودند، روبه‌فراهمی‌و گسترش دارد.

هاله‌ای از ابهام گرداگرد بعضی از مسائل موجود را فراگرفته است که بخشی از آن می‌تواند با تبیین مسئولان و آگاهان روشن شود و بخشی‌دیگر بنابرضرورت این‌برهه کشور و انقلاب» باید همچنان در پرده بماند و از چوزو چرا ــ که امر مقدس و زیبایی است ــ بدور نگاه‌داشته شود. طبیعی است چنین فضایی، زمینه‌ساز بسیاری ازحرکت های فرصت‌طلبانه و ستیزه‌گر با خط ناب مکتب و انقلاب‌باشد و این واقعیتی است که اکنون در حال شکل‌گیری ورخداد است.

برهم زدن تفاهم نیروهای موجود در حاکمیت ونظام با شیوه تشدید تضادها و دامن زدن به ابهام‌ها، محوری‌ترین اصل در روند کنونی ستیز با انقلاب است.

همانگونه که اشاره رفت پیچیدگی شرایط فعلی‌کشور، بردباری امور افزوده و دست مسئولان بالای نظام را در برخورد سهل‌و مناسب با جریان فرصت طلب فوق الذکر که از استتار پیچیده‌ای برخوردار است، به‌میزان زیادی بسته است.

آنچه در این میان به مثابه یك قضیه ضروری و انکارناپذیر جلوه‌گر است، خطر پراکندگی و بروز سوء تفاهم در بین نیروهای همیار و همراه انقلاب و نظام است و این هدفی است که دستهایی ناپیدا در تعقیب‌آن هستند. شایعه پردازی، وارونه کردن حقایق و واقعیتها، شکستن پرستیژ عناصر کلیدی و سازش‌ناپذیر با برچسب گرایش به غرب و پافشاری براین تحلیل‌که پذیرش‌قطعنامه ۵۹۸ نتیجه روحیه سازشکارانه مسئولان سیاسی کشوربوده، از ابزارها و ترفندهای مورد استفاده آن دستهای ناپیدا است.

در پیام حضرت امام که به مناسبت سالگرد فاجعه خونین مکه و پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ابلاغ شد، نسبت به تلاشهایی ازنوع فوق، در چند فراز هشدار داده شده است. مشخصا در دو مورد با صراحت تمام که راه را برهرگونه توجیه و طفره سد می‌کند، از مسئولین کشور حمایت کرده و همه رااز شماتت‌کردن آنهابرحذر داشته‌اند، زیان معرکه آفرینی‌ها و حرکتهای تند را گوشزدفرموده‌و نسبت به دستهایی که تلاش می‌کنند بین روحانیون فاصله و شکاف ایجاد کنند، اعلان خطر کرده‌اند:

«تاکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم، مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند، آن‌ها را از این تصمیمی‌که گرفته‌اند شماتت نکنید که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است.»

«نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکاء خود تصمیم گرفته‌اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.»

«باید به شدت مواظب حرکات خود بود، چه‌با افرادی از سازمانها و انجمن‌ها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان (روحانیت) لطمه‌واردسازند و حتی‌علاوه‌برتامین منافع‌خود روحانیت را رودرروی یکدیگر قراردهند».

در صدد آن نیستم که مسئولان را بابرچسب عصمت و مصونیت از خطا، مطلق کرده و مخاطبین خود را به‌کیش شخص‌پرستی دعوت کنیم، آنها خود نیز هرگز مدعی‌چنین مصونیتی نیستند، اما همه سخن در این است که زمزمه های متعددی که در گوشه و کنار به‌گونه‌ای سیستماتیك و حساب شده، علیه بهترین چهره‌های انقلاب به‌گوش می‌رسد، هدفی مشخص وازپیش طراحی شده رادنبال می‌کنند و اسفا که‌گاه نیروهای خودی‌که احساس‌و شورانقلابی آنها قابل ستایش است، ناخودآگاه وبدون توجه به‌ماهیت، ایعادوپی‌آمدهای این حرکت، دست‌به شماتت چهره‌های ارزنده انقلاب می‌زنند.

کدام ذهن علیل وساده اندیشی است که نداند فرجام چنین حرکتهایی فروریختن استوانه‌هایی است که سنگین‌ترین بارانقلاب‌و کشور، اینك بردوش آنها قرار گرفته است وکیست که‌نداند ماجرا بدینجا ختم نشده ومکاران‌وشیاطین تاشغال تمامی خاکریزها و قله‌های انقلاب ومکتب که در اوج همه‌رهبری انقلاب وآرمانهای سترك او قرار دارد، دست ازهجوم مخرب خود برنخواهند داشت.

بعضی را چه شده است که بی‌اندك دقتی، بلندگو و مبلغ شایعاتی میشوند که تنها یك تامل در افشای ماهیت دروغین آنها کافی است، تاچه رسد به‌آنکه به‌عنوان‌اخباری قطعی ومسلم قلمداد شده وانبوهی از قضاوتها وموضع‌گیری های ناصواب برآنها مترتب شوند؟

فکر می‌کنیم حجت برآنان که درد اسلام و خط امام دارند ودلشان برای حفظ نظام جمهوری اسلامی می‌تپد، آنچنان روشن است که راه را برهرحرکت واقدام تشنج‌زا و تضعیف کننده، سدمی‌کند وتنها کسانی‌که عطش قدرت و سودای قبضه حاکمیت دارند وبرآن سرند که در ظلمات تفرقه وتشنج وبی‌اعتمادی، کلاه ازسر نیروهای طرفدار نظام بردارند و برسرخود بگذارند، می‌توانند برای حرکتهای تفرقه‌آمیز ونیروشکن خود توجیه داشته باشند و جای‌جای کشورزا سرشار ازبی‌اعتمادی وبدگمانی‌نسبت به‌دست‌اندرکاران وتصمیم گیرندگان نمایند و آنگاه شهد! تلاش خود را شادمانه سربکشند.

کسی گمان نکند که نباید به‌مسئولان انتقاد کرد و به‌آنها هشدار نداد وحتی گاه با تیزی قلم وزبان، به‌آنها شوکی وارد نکرد حاشا وکلا، همه‌نگرانی در این است که مبادا به‌بهانه انتقاد و حفظ اصول ودستاوردهای انقلاب، تیشه بدست گیریم وبه ریشه هرعنصر ریشه‌دار و با سابقه بزنیم وزمانی به‌خود آییم که همه چیز را ازکف داده‌باشیم ودستمان ازهمه‌جا کوتاه شده باشد.

بلی، پیوسته باید نسبت به‌خطر هولناك غرب در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هوشیار باشیم وهیچگاه پنبه دوستی ومودت با غرب و شرق را که به بهای تضعیف هیمنه انقلاب باشد، به‌گوش خود نزنیم امااین را هم‌فراموش نکنیم‌که بسا این شعار وایده حق، دستاویزی برای عناصر وجریانهایی شودکه هدفی جز شکستن هیمنه انقلاب ورهبری آنرا ندارند وهرگز دلشان برای نابی‌مکتب و ایده‌آلهای انقلابی‌نسوخته است.

به‌هرتقدیر ضرورت تفاهم وانسجام وهمدلی درموقعیت فوق‌العاده حساس کنونی، بی‌نیاز از استدلال است. همچنین بدیهی است‌که همه باید بیش از هرزمان برای برنامه‌ریزی وسازندگی کشور درابعاد اقتصادی، نظامی وفرهنگی تلاش کنند. دشمنان ما قطعا ازگذشته بیدارتر وجدی‌تر شده‌اند، بی‌جهت نیست که بعد از ملاقات ریگان وگورباچف به‌یکباره تمامی کانونهای بحران در سراسر جهان، به‌سردی وخاموشی می‌گرایند وهمه تضادها در راستای دستیابی به هدفی مشترك حل می‌شوند، براستی آیا این هدف مشترك براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران نیست؟ اگر چنین است، ما به چه میزان تضادها وتنشهای خودرا برای مقابله بااین توطئه عظیم جهانی حل کرده‌ایم؟

والسلام
مهدی‌نصیری

بدون انجام مذاکره بامقامات ایرانی

وزیر خارجه پاکستان پس از اطلاع از کشته شدن ضیاء الحق تهران را ترک کرد

وزیر امور خارجه پاکستان که بعد از ظهر دیروز به‌منظور تسلیم پیام ضیاءالحق به‌رئیس جمهوری و دیدار با مقامات عالی‌رتبه کشورمان در راس هیاتی وارد تهران شده بود، شب گذشته پس از اطلاع از خبرکشته شدن رئیس جمهوری پاکستان، سفر خود را ناتمام گذاشت وبا بدرقه دکترولایتی به کشورش بازگشت.

به گزارش واحد مرکزی خبر وزیر امور خارجه‌کشورمان هنگام عزیمت هیات پاکستانی طی گفتگویی ضمن اظهارتاسف شدید جمهوری اسلامی ایران از بروز سانحه هوائی وکشته شدن ضیاءالحق رئیس‌جمهوری پاکستان گفت: جناب آقای ضیاءالحق از دوستان نزدیك جمهوری اسلامی ایران بود که درهر فرصت و به‌هر مناسبتی مراتب علاقمندی خویش را به تحکیم روابط بین دو کشور ابراز می‌داشت: دولت و ملت پاکستان در روابط دوجانبه، همکاری های منطقه‌ای وتلاش های بین‌المللی تحت نظارت و هدایت شخص شادروان ضیاءالحق‌همکاری‌های‌بسیار نزدیکی باجمهوری اسلامی‌ایران داشت.

ولایتی آنگاه ضمن عرض تسلیت به‌مردم و دولت‌پاکستان در مورد روابط آینده ایران و پاکستان اظهار داشت: ما به آنها اطمینان می‌دهیم که جمهوری اسلامی‌ایران درآینده نیز همچون گذشته همه تلاش خویش را درجهت تقویت‌پیوند های بین دو کشور به کار خواهد برد.

وی‌افزود: علاقوخصوصیات مشترك بین ایران و پاکستان به نحوی است که زمینه بسیار محکم و اصولی را برای این پیوند برادرانه فراهم می‌کند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از اسلام‌آباد «ساحبزاده یعقوب‌خان» وزیر خارجه پاکستان قبل از ترك کشورش وعزیمت به تهران در گفتگوی باخبرنگاران گفت:

*** وزیر خارجه پاکستان قرار بود بعداز دیدارازعربستان به تهران عزیمت کند که به علت شرکت دکتر ولایتی در جلسه شورای امنیت سفر وی‌به تعویق افتاده بود.**

تنها کشور های منطقه مسئول حفظ امنیت خلیج فارس می‌باشند.

وزیر امورخارجه پاکستان افزود ما همیشه از سیاست دخالت مستقیم درمسایل خلیج فارس اجتناب کرده و می‌کنیم و پیوسته معتقد به‌استقرارصلح و روابط حسنه با همسایگان حوزه خلیج فارس می‌باشیم.

وی در ادامه سخنان خود گفت: در سفر به جمهوری اسلامی ایران ضمن ملاقات با مسئولان این‌کشور مسائل‌منطقه خلیج فارس و سایر مسائل‌مهم منطقه و افغانستان را مورد مذاکره و گفتگو قرار خواهیم داد«یعقوب‌خان» همچنین‌اظهار داشت که حامل پیامی ازجانب ژنرال ضیاءالحق برای‌حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای می‌باشد.

خاطرنشان می‌سازد قبلا قراربود «ساحبزاده یعقوب‌خان» در راس یك هیات سه نفری بعد از دیدار از حجاز به تهران عزیمت کند، اما به علت شرکت دکتر ولایتی در جلسه شورای امنیت این سفر به تعویق افتاده بود.

فرمانده نیروهای ناظر سازمان ملل بر آتش بس ظهر امروز وارد تهران شد

سرویس سیاسی کیهان: ژنرال «السلاو کایوویچ» فرمانده نیروهای ناظر سازمان ملل برآتش بس میان ایران‌و عراق ظهر امروز واردتهران شد.

وی‌که فرماندهی یك هیات نظامی را عهده‌دار است در فرودگاه مهرآباد از سوی مقامات نظامی ایران مورد استقبال قرار گرفت.

از زمان انتصاب «یوویچ» به عنوان فرمانده نیروهای ناظر این نخستین دیدار وی از ایران محسوب می‌شود.

یازده افسر یوگسلاو که احتمالا در منطقه اهواز در ایران مستقر خواهند شد «یوویچ»را دراین سفرهمراهی می‌کنند.ژنرال «یوویچ»ریاست در مرکز فرماندهی عمده یکی در تهران و یکی در بغداد و همچنین فرماندهی یکسری پایگاه ها در خط مقدم را برعهده خواهد داشت.

وی دیروز به همراهی چند افسر یوگسلاو به بغداد سفر کرده بود.

ژنرال «یوویچ» دربیانیه‌ای که از رادیو یوگسلاوی پخش شد گفت که کار خودرافورا شروع خواهد کرد.

حدود ۳۵۰ نفر از ۲۴ ملیت که تماما نظامی هستند به اضافه عده بیشتری خدمه و دستیار برآتش بس درجنگ عراق و ایران نظارت خواهند کرد.

قرار است از ساعت ۶٫۵ صبح روز شنبه ۲۹ مرداد (پس فردا) آتش بس رسمی‌و تحت نظارت نیروهای سازمان ملل متحد در جنگی که هفت سال ویازده ماه به‌طول انجامید برقرار شود.

در همین حال مجمع عمومی سازمان ملل متحد طرح تامین هزینه‌های سه ماهه «استقرار نیروهای ناظر بر آتش بس را دیروز تصویب کرد. این‌بودجه بالغ بر۳۵ میلیون و ۷۰۰هزار دلار می‌باشد که ۳۰ درصد آن (حدود ۱۱ میلیون دلار) از سوی پنج عضو دائمی شورای امنیت (امریکا، شوروی،چین، انگلیس و فرانسه) پرداخت خواهد شد.

مجمع عمومی سازمان ملل همچنین از سایر کشورها که از پایان گرفتن جنگ بیشتر بهره‌مند می‌شوند خواست که علاوه بر تعهد خود مالیه

شب گذشته از شبکه اول تلویزیون پخش شد

اظهارات پنج تن از منافقین دستگیر شده درعملیات مرصاد

سازمان منافقین برنامه‌دقیقی برای عملیات به‌اصطلاح‌تسخیر تهران نداشت و بسیار باعجله نسبت به این کار اقدام کرد و در واقع این اقدام شتاب‌زده نتیجه [illegible] توسط جمهوری اسلامی بود که توانست صمام و وی و همچنین منافقین یك بن‌بست قرار دهد.

این مطلب‌بخشی ازاعترافات یکی از منافقین دستگیر شده است که به‌اتفاق چهارتن دیگر ازهمکاران‌مزدورش شب‌گذشته از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شدوپرده از جنایات سازمان منافقین برداشت.

یکی از افراد شرکت کننده در این مصاحبه که با نمایش اسنادی از طرح مشترك‌سازمان منافقین و ارتش عراق برای به‌اصطلاح تسخیر تهران‌همراه بود گفت: نیرو های زرهی ارتش عراق نقش خط‌شکن و بازکننده راه را برای منافقین داشتند.

یکی دیگر از منافقین‌دستگیر شده در این مصاحبه گفت: من به چشم خودم بیش از دو هزار نفر از اجسادمنافقین را دیدم و این غیر از جنازه های زیادی است که باکامیون و وسایل دیگر به عراق برده شد و غیر از کشته هایی است که من آنها را ندیدم.

وی گفت: سازمان منافقین پس از احساس شکست، فرماندهان و افراد رده بالارا با هلی‌کوپتر به عراق برد و این درحالی بودکه مجروحین بسیاری به علت آنکه از رده بالا نبودند به حال خود رها شدند.

منافق دیگر ضمن برشمردن جنایت های سازمان منافقین گفت: من از ملت ایران می‌خواهم از منافقین بخاطر مزدوریشان برای عراق وجنایات مبنی بر وارد آوردن تلفات سنگین به نیرو های ایرانی به منظور سرپوش گذاشتن بر شکست مفتضحانه آنان بوده است [illegible]

در پیامی خطاب به همسر محمد ضیاءالحق رئیس جمهوری فقید پاکستان

رئیس جمهوری: مردم مسلمان پاکستان رهبری خدمتگزار و وطن دوست را از دست داده‌اند

حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای رئیس جمهوری شب گذشته به دنبال درگذشت ناگهانی ژنرال ضیاءالحق رئیس‌جمهوری پاکستان پیام تسلیتی خطاب به همسر وی ارسال کرد.

متن پیام رئیس جمهوری‌را در زیر می‌خوانید:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

خانم بیگم شفیق ضیاءالحق همسر محترمه‌مرحوم ضیاءالحق خبر جانگداز درگذشت‌برادرم جناب آقای محمد ضیاءالحق رئیس‌جمهوری اسلامی پاکستان در اثر سانحه‌ی هوایی موجب تاثر عمیق این‌جانب شد. شما همسری متعهد و من برادری دانا و آگاه و مردم پاکستان رهبری مدبر و خدمتگزار و وطن‌دوست‌را از دست داده‌ایم. بی‌شك ملت مسلمان پاکستان‌در طول سالیان پس از استقلال در مقام مدیریت کشور شخصی بدین تدبیر و هوش و اراده و عزم نیرومند و صداقت و اخلاص به خود ندیده است.

من و ملت و دولت ایران در عزای عمومی مردم‌پاکستان خود را سهیم دانسته و از خداوند یکتاجهت ایشان‌مغفرت و آمرزش و برای شما صبر جمیل طلب می‌نمائیم.

در قالب کاروان تدارکاتی ــ پشتیبانی ثارا...

کمك‌های مردمی استان تهران با یکصدو بیست دستگاه کامیون به جبهه‌ها ارسال شد

کمکهای نقدی و غیرنقدی مردم ــ ادارات ونهاد های استان تهران، صبح امروز در قالب کاروان تدارکاتی ــ پشتیبانی ثارالله با یکصدوبیست کامیون و کامیونت از مقابل دانشگاه تهران به جبهه های جنگ ارسال شد.

این کاروان شامل وانت تویوتا ــ آمبولانس ــ کمپوت، کمرو ــ کلمن ــ میوه‌فصل، انواع تانکر ــ مایع ظرفشویی، کفش ــ لباس ــ نان ودیگر اقلام مورد نیاز رزمندگان و جبهه های جنگ بود و بالغ بردویست میلیون ارزش‌داشت.

سخنگوی روابط عمومی ستاد جذب وهدایت کمکهای مردمی تهران ــ سازمان حج و اقاف، شرکت‌سپنتا ــ واحداتوبوسرانی، سازمان تعاون کل کشور ــ مجلس شورای اسلامی، شورای عالی‌قضایی ــ وزارت‌خانه‌های پست و تلگراف ــ فرهنگ و ارشاداسلامی ــ بانکهای‌مرکزی ومسکن ــ ستاد پشتیبانی‌جنگ اتحادیه تعاونیهای صنفی و صنعتی ــ ستاد های جذب تنکاین ــ شهرانات وسیاهرود در اختیار ستاد جذب وهدایت کمك های مردمی به جبهه ها گذاشته شد که صبح امروز برای رفع نیاز رزمندگان به میدان های نبرد فرستاده شد.

لازم به توضیح است که در پنجمین روزازماه محرم‌الحرام، کاروان تدارکاتی ــ پشتیبانی ثارالله، شامل هدایای‌مردمی همزمان با تهران از سراسر کشور به‌یگان‌های رزم مستقر در جبهه ها ارسال شد.

همزمان با هفته دولت (۵ تا ۱۱ شهریور ماه)

سرشماری عمومی کشاورزی آغاز می‌شود

سرویس اقتصادی ــ طرح سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۶۷ در روز ۵ شهریور همزمان باهفته‌دولت «روز کشاورزی و دولت» در سراسر کشور آغاز میشود.

به‌گزارش خبرنگار اقتصادی کیهان صبح امروز مسعود روغنی زنجانی وزیر برنامه و بودجه در یك مصاحبه مطبوعاتی ضمن تشریح اهداف این طرح گفت: هدف ازاجرای طرح سرشماری جمع‌آوری اطلاعات مربوط به این بخش باتوجه به اولویتهای اهداف دولت می‌باشد.

وی گفت: برای پاسخگویی به مشکلات این بخش، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری وارزیابی اقدامات گذشته، ضروری بود و با این کار نقاط ضعف وقوت کشاورزی ما ارزیابی خواهدشد که برای آغاز برنامه ۵ ساله پس از جنگ ضروری است.

وی افزود در این سرشماری توزیع اراضی با تفکیك نوع تولیدات و حتی انواع‌درختان میوه، آب مصرفی، منابع آب روشن می‌شود، همچنین‌اطلاعات مربوط به دام و دامپروری و میزان فعالیت در این زمینه‌و فرآورده‌های دامی، ظرفیت تولید مرغداریها و پرورش ماهی بدست خواهد آمد.

وی اعلام کرد آیین‌نامه اجرایی طرح سرشماری به تصویب هیات دولت رسیده وبه کلیه دستگاههای دولتی ابلاغ شده است. مدت انجام طرح ۲۰ روز بوده و نزدیك به ۱ میلیارد ریال بودجه آن درنظر گرفته شده و ۲۵ هزار نفر از دستگاههای ذینفع بسیج‌خواهند شد. حوزه عملیاتی این‌طرح در سراسر کشور اعم از شهرو روستا و یا مناطق غیرساکن بوده که نسبت‌به سرشماریهای قبلی گسترده‌تر است. ابعاد صنعتی وسنتی شهری وروستایی مورد سئوال این سرشماری می‌باشد.

وی در پایان افزود: سعی‌ما براین است طی ۶ ماهه اول زمان اجرای این طرح، نتایج آن را باطلاع عموم برسانیم.

ایرانی خارج کشور از کیهان

سرویس آموزشی و هنری: دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج‌که درپنجمین اردوی‌تابستانی شرکت‌کرده‌اند صبح امروز قسمت های‌مختلف موسسه کیهان را مورد بازدید قرار دادند.

شرکت‌کنندگان در اردوی تابستانی ویژه که طی برپایی دوره از مراکز مختلف‌صنعتی، فرهنگی و علمی بازدیدخواهند کرد. امروز به دعوت کیهان هوایی ضمن‌حضور در موسسه، با بخشهای گوناگون روزنامه آشنا شدند و در هر قسمت‌نیز مسئولان توضیحات لازم را در اختیار بازدیدکنندگان قرار دادند.

اردوی امسال با شرکت حدود ۲۵۰ نفر دانشجوی‌دختر و پسر از کشورهای مختلف برپا شده است که از ۲۵ تا ۲۹ مردادماه جاری جریان دارد.

کوپن ۱۰۰ لیتری نفت سفید برای خانوارهای تهران، کرج و حومه اعلام شد

سرویس اقتصادی ــ جهت ذخیره‌سازی زمستانی مصرف‌کنندگان نفت‌سفیدتهران، کرج و حومه ۱۰۰ لیتر نفت سفید در نظر گرفته شد.

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران اعلام کرد، کوپن شماره ۱۲۷ به مقدار ۶۰ لیتر و کوپن۲۶ فوق‌العاده به میزان ۴۰ لیتر نفت سفید برای‌مصرف‌کنندگان در تهران، کرج و حومه در نظر گرفته شده است و ازتاریخ ۶۷٫۵٫۲۹ تا پایان روز ۶۷٫۸٫۲۹ معتبر بوده و قابل تحویل می‌باشد.

اعلام کوپن بنزین وانت‌بار

سرویس اقتصادی ــ کوپن جدید بنزین وانت بارها از روزشنبه (۶۷٫۵٫۲۹) در سراسر کشور دارای اعتبار است.

به گزارش روابط عمومی شرکت ملی فرآورده های نفتی ایران، کوپن شماره۱۱۹ وانت‌بارها هر قطعه به میزان ۳۰ لیتر برای مصرف ۱۵ روز از تاریخ ۶۷٫۵٫۲۹ تا پایان روز ۶۷٫۷٫۱ معتبر بوده وقابل تحویل می‌باشد.

با همکاری بخش عمرانی سازمان ملل

کارکنان پست ایران در کشورهای مختلف آموزش می‌بینند

به منظور استفاده ازهمکاری های فنی کارشناسی وآموزشی برنامه عمران ملل متحد (یو. ان. دی. پی) سندپروژه مربوطه از طرف نماینده مقیم برنامه عمران ملل متحد و شرکت پست جمهوری اسلامی ایران امضا و بین طرفین مبادله شد.

مدت اجرای این پروژه ۳ سال است و اعتبار اجرای آن که بالغ بر ۵۳۶ هزار دلار است از محل اعتبارات برنامه عمران ملل‌متحدتامین می‌شود.

طی این پروژه کارکنان پست جمهوری اسلامی ایران با استفاده از دوره های تحصیلی در موسسات آموزش‌پستی کشور های مختلف، آموزش دیده و همچنین از خدمات کارشناسی کارشناسان اتحادیه جهانی پستی در داخل کشور استفاده می‌کنند.

در این‌پروژه تامین‌تجهیزات یك مرکز آموزش پستی در یکی از مراکز استانهای کشور نیز پیش‌بینی شده است.

کنگره علمی دندان پزشکی کار خود را آغاز کرد

کنگره علمی دندانپزشکی ایران صبح امروز با حضور تعداد زیادی از دندانپزشکان و اساتید و دانشجویان رشته دندانپزشکی درمحل هتل«هما» تهران کار خود را آغاز کرد.

این کنگره به مدت سه‌روز ادامه خواهد داشت و دراین مدت موضوعات مختلف مربوط به دندانپزشکی و بهداشت و دهان و دندان را مورد بررسی قرار خواهد داد و شرکت کنندگان با آخرین دستاورد های علمی در این زمینه‌آشنا خواهند شد.

گزارش خبرنگار کیهان حاکی است، در اولین جلسه کنگره، دکتر خاسی وسپس دکتر اعلایی سرپرست کنگره سخنانی‌ایراد کردند.

همزمان با برگزاری این کنگره نمایشگاه بین‌المللی دندانپزشکی با کمك تولید ــ کنندگان و مبتکران ایرانی و آخرین دستاوردهای تکنولوژی دندانپزشکی ازهشت‌کشورجهان تشکیل شده که تاکنون مورد استقبال و بازدید شرکت ــ کنندگان قرار گرفته است.

شرکت در امتحان بورد تخصصی پزشکان مشروط به انجام طرح یك ماهه است

کلیه داوطلبان‌امتحان بورد تخصصی که دردیماه سالجاری برگزار میشود موظف به ارائه برگ تسویه‌انجام طرح یکماهه تا پایان سال ۶۶ شدند.

مسیر هوایی تهران ــ مشهد و بالعکس ویژه پرسنل نیروهای مسلح افتتاح شد

مسیر هوایی تهران‌ــ‌مشهد و بالعکس ویژه پرسنل تعاونی نیروهای مسلح و خانواده‌آنان با استفاده ازیك فروندبوئینگ ۷۰۷ ترابری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران افتتاح شد.

این مسیر هوایی هفته‌ای یك پرواز خواهد داشت‌وپرسنل نیروهای سه‌گانه ارتش، سپاه کمیته، ژاندارمری و خانواده آنان که مشتاق زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا (ع) هستند می‌توانند از آن استفاده کنند.

واحد خبر اداره عقیدتی ــ سیاسی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی با اعلام این خبر اضافه کرد: در مراسم افتتاحیه این پرواز مدیر ترابری نیروی هوایی هدف از برقراری این مسیر هوایی را پاسخ به زحمات خدمات و جانفشانی نیروهای مسلح در طول جنگ تحمیلی‌وتامین‌رفاه حال این عزیزان ذکر کرد و گفت: از این پس هفته‌ای یکبار این پرواز انجام‌میشود.

وی از پرسنل نیروهای مسلح و خانواده‌هایشان که قصد عزیمت به مشهد مقدس را دارند خواست جهت‌اطلاعات بیشتر با تلفن ۹۹۴۴۵۰ در تهران و شماره تلفن ۲۰۷۵۷ در مشهد تماس برقرار نمایند.

سخنان امام حسین (ع) در پاسخ ام‌سلمه

آگاهی امام (ع) بر شهادت

(۵)

یااماه و انا اعلم انی‌مقتول مذبوح ظلما و عدوانا و قدشاء عزوجل ان‌یری حرمی و رهطی مشردین و اطفالی مذبوحین ماسورین مقیدین وهم‌یستغیثون فلایجدون‌ناصرا...

* * *

بنابه نقل مرحوم راوندی (۱) و بحرانی(۲)ومحدثان دیگر هنگامی که ام سلمه همسر رسول‌خدا (ص) از حرکت حسین‌بن‌علی (ع) مطلع گردید بحضورش آمده وعرضه داشت:« لاتحزنی بخروجك الی‌العراق ...» با حرکت خود بسوی عراق مراغمناك ومحزون نگردان زیرا من از جدت رسول‌خدا (ص) شنیده‌ام که‌میفرمود فرزندم حسین در خاك عراق و درمحلی بنام کربلا کشته خواهد شد.

امام درپاسخوی فرمود:«یااماه وانااعلم انی‌مقتول مذبوح ظلما ...»

مادر! (فکر نکن که ازاین جریان تنهاتو مطلع‌هستی) خودمن بهتر از تومیدانم که ازراه ظلم وستم وازراه‌عداوت ودشمنی کشته خواهم شد وسرم ازتنم جدا خواهد گردیدو خداوند بزرگ چنین خواسته است:

حرم واهل‌بیت من اسیر وفرزندانم شهید وبه زنجیر اسارت کشیده شوند وصدای استغاثه آنان طنین‌انداز گردد ولی کمك وفریادرسی پیدا نکنند.

آگاهی امام از حوادث آینده:

ازپاسخ امام به «عمراطرف» و«ام‌سلمه» واز سخنان دیگری که به مناسبتهای دیگر از آنحضرت نقل خواهیم کردمعلوم میگرددکه آن‌حضرت به‌تمام آلام و مصائب‌وارده دراین‌حرکت از اسارت خانواده ومحل قبر خویش‌وجزئیات دیگر مطلع وآگاه بودوما این آگاهی رافقط به «علم امامت» کدیك بحث کلامی است مستند نمیدانیم، بلکه آگاهی حسین‌بن علی (ع) دراین مورد خاص گذشته از مساله «علم امامت»بطریق عادی وبوسیله پدر وجدبزرگوارش نیزرسیده بود همانگونه که عده‌ای از همسران وصحابه رسول‌خدا (ص) ازموضوع مطلع وآگاه بودند و رهبر انقلاب ونهضت اسلامی در راه نیل به‌هدف و انجام‌وظیفه الهی ونجات اسلام وقرآن ومبارزه بامظالم وستمگریاهمه این مصائب رابامام وآگاهی پذیرفته بود.

وبطوری که اشاره نمودیم سخن امام درپاسخ ام‌سلمه بامختصر تفاوت درچندکتاب حدیثی و تاریخی نقل‌گردیده است(۳) وممکن است همه این‌منابع این مطلب راتنهاازیك منبع نقل کرده‌باشند که ازنظر وثوق واطمینان مورد تردید باشد ومانیز نه درتوثیق وتایید این روایت‌اصرار وپافشاری داریم ونه‌آگاهی امام(ع) از حوادث آینده‌رابه این‌روایت مستندمیدانیم زیراضمون ده‌هادوها روایت که‌از طریق شیعه (٤)واهل‌سنت (٥) ازپیامبران گذشته وپیامبر اسلام (س) وامیرمومنان علیه‌السلام در رابطه باحادثه جانسوز وتاریخی عاشورا نقل گردیده است مارا از این روایت مستغنی وبی‌نیاز میسازد.

(۱) ــ خرائج ۲٦
(۲)ــ مدینةالمعاجز ۲٤٤
(۳) ــ خرائج راوندی ص ۲٦، مدینةالمعاجز بحرانی ص ۲٤٤ اثبات الوصیه ص ۱٦۲، بحارالانوار ج ٤٤ ص۳۲۱
(٤) ــ تنها مرحوم مجلسی‌ره دربحارالانوار ج٤٤ هفتاد ویك‌روایت دراین زمینه نقل کرده است.
(٥) ــ مرحوم علامه امینی ماخذ روایت خودشان را سنتا بالغ بر بیست روایت ازمنابع اهل‌سنت دراین زمینه نقل نموده ودرباره رجال وراویان این روایات وتوثیق آنها بطور مشروح سخن گفته است.

بسمه‌تعالی
السلام علیك یااباعبدالله‌الحسین

بدینوسیله برنامه ایام سوگواری سرور شهیدان اباعبدالله‌الحسین(ع) درحسینیه‌تعاونی‌های صنف پیراهندوز و پیراهن‌فروش و پوشاك‌زیر تهران همزمان با شروع مرحله دوم جلسات هفتگی سیاسی، عبادی دعای ندبه صبح جمعه بصورت پرسش و پاسخ با حضور نمایندگان محرومین و مستضعفین در مجلس شورای اسلامی به‌شرح زیر اعلام‌میگردد و ضمن دعوت از برادران صنف و دیگر صنوف تولیدی‌خدماتی و اقشار مردمی از همه مومنین التماس دعا داریم.

زمان:
صبح جمعه (۶۷٫۵٫۲۸) از ساعت ٦ الی ۹ برادر حجةالاسلام عیسی ولائی (دعای ندبه)
شنبه ۶۷٫۵٫۲۹ از ساعت ½۷ ــ ۱۰ برادر حسین‌مظفری‌نژاد
یکشنبه ۶۷٫۵٫۳۰ از ساعت ½۷ ــ ۱۰ حجةالاسلام‌والمسلمین هادی غفاری
آدرس: نبش سعدی‌شمالی ــ جنب سینما ادئون ــ اول کوچه شهید امین‌زاده پلاك ٦

انجمن اسلامی شرکت‌های تعاونی صنف پیراهندوزان و پیراهن فروشان و پوشاك زیر تهران و حومه

تحویل بتون آماده
در شرق تهران تا محور افریقا
درمقابل دریافت پروانه شهرداری
خیابان نوبخت ـ کوچه ٤ ـ پلاك ۵۳
تلفن ۸٦٤۸۲۸

آگهی

شرکت سهامی‌عام‌کارخانه چینی ایران (ایرانا) جهت اداره فروش خود نیاز به یك ساختمان تجاری باحداقل ۱۰ اطاق، ترجیحا واقع در شمال یاغرب تهران جهت‌اجاره یاخرید دارد. برای کسب‌اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۹٤۱۲۹٦ تماس حاصل نموده‌ویا به آدرس کیلومتر ۱۲ جاده مخصوص کرج روبروی اداره تحویل ایران خودرو مراجعه فرمایند.

ش ۱۱۵۱۵ ۲ـ۱

تیرچه فوری
مطابق باجدول استاندارد اشتال آلمان ۸٦٦۲٦٦

احداث واحد کامپیوتر

یك شرکت معتبر تولید کننده مواد غذایی جهت احداث واحد کامپیوتر و استفاده از خدمات آن از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مجرب و واجد شرایط دعوت مینماید شرح حالی از امکانات و کارهای انجام داده و در دست اقدام خود را به صندوق پستی شماره ۱۹٤۳ ــ ۱۵۸۱۵ ارسال نمایند.

ش ۱۱۳۱٦

بسمه‌تعالی
آگهی تعطیلات

www.habilian.ir هابیلیان (پایگاه خبری، تحلیلی مطالعات تروریسم)

انگشت اشاره

قطعنامه اخلاص

فیلسوف شدی افتخار نکردی، عارف شدی افتخار نکردی، رهبر شدی خود را خدمتگزار نامیدی، تمام عشق یک ملت را خریدی به گوشه چشمت نیامد. اما بسیجی شدی افتخار کردی و بر بازوی بسیجیان بوسه زدی. چه رازی است؟

هر مقامی را بندی است. نه از آنان بودی که در «بند» اصطلاحات باشی، نه بند مستحبات ترا اسیر کرد و نه شهرت موج نگاهت را منحرف ساخت. بزرگ هستی. و بزرگواریت فراتر از بزرگیت. و بسیجی فراتر از تمام اینها آن نشانه خداست که تمام سرزمین بشریت دنبال همان نشانه است. و این نشانه را هاله‌ای از راز می‌پوشاند اگر قطعنامه نبود. ما مریدان مدعی را چه خبر است از این راز؟ نان و بام و نان اگر غایت شود دیگر چه رهروی را باید؟ آنکس که به ترنمی مست شود و به تعفنی انزجار یابد چگونه می‌تواند جام زهر بنوشد. جامی که بزرگترین عارفان از نوشیدنش واهمه داشتند و کسی نبود که آبرویش را معامله کند. و تو شاکجای سدرةالمنتهی رفتی که مقدس‌ترین سرمایه انسانی را در طبق اخلاص گذاشتی؟ تو سخت‌ترین مفهوم مکتب الهی را معنی کردی. مفهومی که ادیبان را بیچاره کرده است و پای فیلسوفان را چوبین.

ارزشها در انفجار نور انقلاب روشن شد و در ماجرای قطعنامه معنی. و آنان که ادراک‌شان آنگونه آبدیده نشده بود تا چنین معنی عمیقی را بپذیرد چنان متلاطم شدند که ریشه درخت ولایت در جانشان خشکید و آنان که از کربلا نه گنبد و بارگاه که نفس قیام برای الله را می‌فهمیدند با تو ماندند و یک ملت با تو ماند.

ای مشتریان حقیقت؛ ای آنانکه با خداوند سودای معامله دارید خوب چشم بگشائید و بزرگترین مزد این قرن را ببینید که چگونه به میدان آمد و چگونه گلاویز شدن با منیت را آموخت.

از آنروز که رنسانس نهیلیسم تمام وجود انسان را خالی کرد و تبدیل به اشیائی نمود که دور و برش را چنان پر کنند تا احساس کند در بهشت زندگی می‌کند تمام مفاهیم معنی دیگری یافت و خروار خروار دایرة المعارف تولید شد تا معنی جدید را بر ذهنها القا کنند. تاریخهای مفصل نگاشته شد تا سیر عالم را در آن بستر وانمود نمایند چه کسی است که می‌تواند ادعا کند از موج نهیلیسم کور در امان بوده است؟

قطعنامه انقلاب را تکمیل کرد و علم توحید را چنان بر سرزمین منیت که زمین بارور نهیلیسم است کوبید که صدایش از کرملین بلند شد بهای چنین عظمتی فراق کربلا بود که سخت بود اما آنان که سر در بالین مهدی «عج» جان باختند و آنان که با دلهایشان به کربلا رسیدند، رسیدند. پس چه باک؛ که تمام این فرقت را سرمایه انتظارمان می‌کنیم، و اگر منتظر حقیقی شدیم، رسیده‌ایم.

جعفر رضازاده
۷۵/۴/۱۰

شهید «ناصر بختیاری»، در عملیات «بیت‌المقدس»، که منجر به آزاد شدن خرمشهر گردید، عهده‌دار فرماندهی یکی از گردانهای پیاده بود و گردان تحت امر او، نقش بسیار مهمی در عملیات داشت و برای رهایی نیروهایی که دائماً در فشار بودند تلاش فراوان و مؤثری انجام داده بود، بخصوص در منطقه «عرایض وپل‌نو» که محل تلاقی نیروهای محاصره شده عراقی در داخل خرمشهر بود. لذا در این راه عده زیادی از نیروهای گردان به شهادت رسیدند. بعداز عملیات که تمام گردان پایانی گرفتند و به شهرستان برگشتند، ناصر از آمدن به شهر خودداری کرد. علت آن را جویا شدیم. ناصر گفت «من از خانواده شهدایی که فرماندهی فرزندان‌شان را به عهده داشته‌ام خجالت می‌کشم و لذا در منطقه می‌مانم تا مثل شهدا جنازه‌ام به شهر بیاید.

مختار قربانی

گوش زمین به نالهٔ من نیست آشنا
من طایر شکسته پر آسمانیم
گیرم که آب و دانه دریغم نداشتند
چون می کنند با غم بی همزبانیم
دارم هوای صحبت یاران رفته را
یاری کن ای اجل که به یاران رسانیم

رفتیم و پای بر سر دنیا گذاشتیم
کار جهان به اهل جهان واگذاشتیم
ما را بس است که جلوه‌گه شاهدان قدس
دنیا برای مردم دنیا گذاشتیم

بهترین سالهای عمر من

اشاره

عباس پاسیار از بسیجیان قهرمان و در عین حال گمنام است که خالق چهار اثر ادبی درباره دفاع مقدس می‌باشد. آنچه پاسیار به رشته تحریر در آورده است، خاطرات و مشاهدات عینی ایشان از صحنه‌های نبرد جنگ تحمیلی، به ویژه درگیریهای پس از پیروزی انقلاب در کردستان می‌باشد. پاسیار می‌گوید: «گر چه نوشته‌هایش ثبت خاطرات ایشان از روزهای جنگ است لاکن سعی بر آن داشته تا در نوشته‌های خود جنبه‌های داستانی را نیز رعایت نماید.» در هر حال اوایل هفته گذشته به طور اتفاقی سر و کله این دلاور بسیجی در تحریریه کیهان سرویس فرهنگ مقاومت پیدا شد. به خودمان اجازه ندادیم بپرسیم برای چه کاری آمده است. فرصت را غنیمت شمردیم و با وی گپی دوستانه زدیم. از حاصل این گفتگو بخشی را که بکار صفحه و شما خوانندگان گرامی می‌آمد جدا کردیم و دست حروفچین‌ها سپردیم.

فرهنگ مقاومت: چه سالی وارد جنگ شدی؟

عباس پاسیار: از سال ۱۳۵۸

■ جنگ که سال ۱۳۵۹ شروع شد

● پیش از شروع حمله عراق در کردستان بودم. خدمت سربازی‌ام رامی گذراندم. آنزمان با ضد انقلابها و گروههای وابسته به عراق می‌جنگیدیم. پس از پایان خدمت سربازی- در سال ۱۳۶۰- لباس بسیج به تن کردم و عازم جبهه شدم.

■ اهل کجا هستی؟

نهاوند.

■ تا چه وقت در جبهه ماندی؟

● تا زمان پذیرش قطعنامه

■ خانواده‌ات چه می‌گفتند؟

● مرحوم پدرم آدم ساده‌ای بود. همیشه از من می‌پرسید «سربازی تو کی تمام می‌شود؟» «می‌گفتم سربازی‌ام تمام شده، الان بسیجی‌ام.» «می‌گفت هر کجا هستی موفق باشی.»

■ مادرت چه می‌گفت؟

● ایشان همیشه از من با اشک چشم استقبال می‌کرد اما هرگز نگفت نرو، حتی به من نگفت حالا کمی استراحت کن. حتی موقعی که ازدواج کردم، از کردستان با ایشان تماس گرفتم، پشت تلفن گفت مبارک باشد. مادرم یک زن پاکباخته بود و چند ماه پیش فوت کرد.

■ از چه وقت شروع به نوشتن کردی؟

● دوازده- سیزده سال پیش، بعد در پی یک همخوانی که از سوی دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری اعلام شد آثار خود را ارائه کردم.

■ اولین اثری که از شما به چاپ رسید چه بود؟

● کتاب «فرمانده من»، که مورد تشویق مقام رهبری قرار گرفت.

■ کتابهای بعدی‌تان کدام است؟

● خاطرات «آلواتان»، «جلد دوم فرمانده من» و «جدال در زیویه».

■ نوشته دیگری در دست داری؟

● در حال حاضر کتابی را می‌نویسم به نام «اززیویه تا آلواتان» که به دلیل مشکلات خانوادگی نیمه کاره مانده است.

■ اگر خاطرات خودت درباره جنگ را به طور کامل بنویسی چیزی دیگری برای نوشتن داری؟

● من اگر بخواهم درباره خودم بنویسم، خیلی ناگفته‌هاست، از بر و بچه‌های جنگ هم هنوز چیزی ننوشته‌ام. مثلاً کسی بود به نام «الهیار یوسفی» از روستای جهان‌آباد نهاوند که بعد از ازدواج در جبهه شهید شد. من حرکات او را به «حنظله غسیل الملائکه» تشبیه می‌کنم.

■ چرا می‌نویسی؟

● من به این قضیه معتقدم که اگر از شهدا جا مانده‌ام شاید به این خاطر است که همه چیز را بنویسم. ما حماسه‌هایی را دیده‌ایم که باید نوشته شود، آدمهایی را دیده‌ایم که هر کدام یک اقیانوس بودند و ما در برابرشان یک قطره، باید درباره آنها بنویسیم. گذشته از این، وقتی آن رشادتها و شهادتها را دیده‌ام و شرایط فعلی را هم که می‌بینم، جوان آنروز را به یاد می‌آورم و جوانان امروز را می‌بینم فکر می‌کنم گناه کرده‌ام اگر ننویسم.

■ شما هم احساس خطر می‌کنی؟

● چرا نکنم؟ امروز نوک پیکان تهاجم فرهنگی متوجه نسل جوان است، فرهنگ بی‌بند وباری دارد پا می‌گیرد، دشمن سعی می‌کند نیروهایی را که در خط انقلاب هستند هدف بگیرد، عده‌ای هم در داخل به آنها کمک می‌کنند و ما شاهد هستیم که اینها هشت سال دفاع مقدس این ملت را به مسخره می‌گیرند و زیر سئوال می‌برند.

■ به نظر شما چه باید کرد؟

● مسئولین باید امکانات فرهنگی را بیشتر کنند. حضرت عباسی به نویسندگان حزب‌الهی بها بدهند، همین حالا ما شاهد هستیم که در خیلی جاها می‌خواهند اینها را از صحنه بدر کنند، مسلم است که اگر مسئولین حمایت کنند توطئه خنثی می‌شود.

■ آیا برای نوشتن دوره‌ای هم دیده‌ای؟

● خیر، اما مطالعه زیاد می‌کنم، کتابهای مختلف می‌خوانم. کتابهایی از نویسندگان داخلی و خارجی، خودم را به نوشته و یا نویسنده خاصی محدود نمی‌کنم، می‌خواهم بدانم یک نویسنده صاحب نام چه کرده که موفق شده است، چه خدمتی به رشد ادبیات کشورش کرده است.

■ ویژگی نوشته‌های خودت چیست؟

● همیشه سعی می‌کنم در نوشته‌هایم به طبیعت بپردازم، احساس می‌کنم در جذب خواننده‌اش مؤثر است. در نوشته‌هایم از وزش یک نسیم گفته‌ام تا چرخش پرندگان و حضور خورشید در آسمان.

■ آقای پاسیار الان چند سال داری؟

○ ۳۶ سال.

■ در این ۳۶ سال بهترین سالهای عمرت را کدام سالها می‌دانی؟

● حقیقتش را بخواهی بهترین سالهای عمرم سالهای حضور در جبهه است، بخصوص آن زمان که در کردستان بودم.

■ چرا آن سالها؟

● چون تحول عظیمی در بعد معنوی زندگی‌ام پیداشد، یک دوره خاصی بود. الان افسوس آن دوران را می‌خورم. یکی از اثرات آن دوران ناچیزگرفتن مسئله مرگ بود. قبل از ورود به جنگ از مرگ یک تصور دیگری داشتم.

■ اگر بخواهی در چند جمله آموخته‌هایت را که از دوران جنگ به دست آورده‌ای برای بچه‌ات تفسیر کنی چه می‌گویی؟

● به او می‌گویم زندگی عرصهٔ جنگ و امتحان است و تو باید همیشه آمادهٔ مقابله با مشکلات باشی، با سختی‌ها بجنگی و با یک شکست عقب نشینی نکنی و اینکه بعد از هر سختی به یک آسانی می‌رسی.

■ وقتی خبر پذیرش قطعنامه را شنیدی چه احساسی داشتی؟

● گریه کردم، در حضور جمعی از اقوام بودم، رفتم بیرون از اتاق، بعضی از اقوام خنده‌شان گرفته بود، همین حالا هم که به یاد آنروز افتادم حالم پریشان شده است.

■ با یادآوری کدام صحنه از جنگ دلتنگ می‌شوی؟

● من بکلی در مناسبت‌های خاصی، مثل هفته دفاع مقدس، هفتهٔ بسیج و یا طول روز به غروب که می‌رسیم دلم تنگ می‌شود، به غروب خورشید که نگاه می‌کنم یاد مقاومت نیروها در زیویه می‌افتم و اشک در چشمهایم می‌نشیند.

■ در چنین وضعی چه می‌کنی؟

● فقط می‌نویسم.

■ چه کسی در دوران جنگ بیشترین تأثیر را در شما داشته؟

● «شهید بروجردی» ایشان از شخصیت فراموش نشدنی است که من در آن دوران دیدم. من بروجردی را شخصیتی بسیار برجسته با خصوصیاتی منحصر بفرد که در کمتر کسی مشاهده کرده بودم دیدم، بارزترین خصوصیات ایشان این بود که همیشه و در همه حال با بروبچه‌ها بود، در غذاخوردن، در خوابیدن، در عملیاتها. خلاصه همه جا در میان بچه‌ها بود. اگر کسی به منطقهٔ عملیاتی می‌آمد نمی‌توانست بروجردی را در میان بچه‌ها شناسایی کند. او نمونهٔ یک سرباز صدر اسلام بود. از دیگر ویژگی آن شهید بزرگوار این بود که علاقهٔ عجیبی به مردم کرد داشت، بروجردی معتقد بود «مردم کردستان مظلومترین مردم ایران هستند و این گروهکها هستند که می‌خواهند اینها را از مردم جدا کنند».

■ خاطرهٔ خاصی از ایشان به یاد داری؟

● یک شب در سپاه کردستان حضور داشتیم و دعای کمیل می‌خواندیم، تعدادی از شخصیت‌های مملکتی هم آنجا بودند، بعد از تمام شدن مراسم دعا برای کاری که داشتم خدمت آقای بروجردی رسیدم، ایشان گفتند ما در اطاق فرماندهی جلسه‌ای در رابطه با جنگ داریم. بعد از جلسه من خودم خدمت شما می‌آیم. ایشان به جلسه رفتند و من تا ۳ ساعت منتظرشان ماندم ولی نیامدند، رفتم به آسایشگاه که استراحت کنم دیدم تخت خالی نیست، همانجا روی زمین آسایشگاه خوابیدم. حوالی صبح غلتی زدم و خواستم که برای نماز آماده شوم دیدم کسی کنار دستم خوابیده است، نگاه کردم دیدم آقای بروجردی است. در همان حال نگاهی به من کرد و گفت: «ببخشید حاج آقا که من دیر کردم. از شما عذرمی‌خواهم جلسه طول کشید». خاطرهٔ دیگر هم اینکه من در آن شب خواب بسیار جالب و زیبایی دیدم که تا حالا چنین خوابی ندیده‌ام، خدا شاهد است در خواب دیدم که در یکی از باغهای بسیار مصفای بهشت هستم، این باغ آنقدر زیبا بود که نمی‌توانم وصف کنم. وقتی بیدارشدم دیدم که شهید بروجردی کنار دستم خوابیده است، احساس کردم حضور پاک و لطیف ایشان در خواب من اثر کرده و منهم از اقیانوس ثوابهایی که می‌برند قطره‌ای نصیبم شده است، وقتی از آنجا بلند شدیم من تقاضایم را مبنی بر انتقال به یکی از واحدها برایشان گفتم، آقای بروجردی یک تکه کاغذ را که کف آسایشگاه افتاده بود برداشت و روی آن به فرماندهٔ گردان مورد نظر، سفارش مرا نوشت. وقتی از آسایشگاه خارج شدیم. من از اینهمه صفای او تعریف و تمجید کردم ولی شهید بروجردی ناراحت شد، بعد با کمال تعجب دیدم یک موتور گازی از راه رسید و ایشان را سوار کرد و برد، این در حالی بود که شهر سنندج در آن روزها جو بسیار خطرناکی داشت.

■ حرف خاصی هم داری برایمان بزنی؟

● از این خاکریز (صفحه مقاومت) که شما در روزنامه کیهان زده‌اید بسیار خوشحالم. معتقدم این صفحه بیان کننده واقعیت‌های ملموس دفاع مقدس است.

□ **موفق باشید.**

* امروز نوک پیکان تهاجم فرهنگی متوجه نسل جوان است، دشمن سعی می‌کند نیروهایی را که در خط انقلاب هستند هدف بگیرد. عده‌ای هم در داخل به آنها کمک می‌کنند.

* به فرزندم می‌گویم زندگی عرصهٔ جنگ و امتحان است و تو باید همیشه آمادهٔ مقابله با مشکلات باشی. با سختی‌ها بجنگی و با یک شکست عقب‌نشینی نکنی.

۱۳۶۰/۵/۵ وزارت امور خارجه ایران: با انتشار بیانه‌ای پاسخ به درخواست عده‌ای از رهبران بلندپایه اسلامی در مورد شرایط قبول آتش‌بس و پایان جنگ از دولتمردان دیگر کشورهای اسلامی دعوت کرد به عنوان گامی در جهت پایان یافتن جنگ، تجاوزگر را بدون مماشات و با قاطعیت به افکار عمومی ملت خود و جهان معرفی نمایند.

• • •

۱۳۶۵/۴/۲۹ امام امت «ره»، در دیدار با فرماندهان ارتش و سپاه: «جبهه‌ها را آرام نگذارید و فرصت تجهیز به دشمن ندهید. از هیچ نترسید این قدرتها، قدرتهائی نیستند که بتوانند با اسلام مقابله کنند.»

۱۳۶۵/۵/۵ سخنگوی شورای عالی دفاع: نیمه دوم سال جاری را زمان تعیین سرنوشت جنگ و منطقه اعلام کرد.

۱۳۶۵/۵/۶ از سوی ایران (به تلافی بمباران مناطق مسکونی) **تاسیسات اقتصادی جنوب عراق گلوله‌باران شد.**

۱۳۶۵/۵/۷ تاسیسات اقتصادی **موصل، اربیل، العماره و بصره** مورد حملات هوائی و زمینی قوای ایران واقع شد.

• • •

۱۳۶۴/۴/۳۱ رژیم عراق در پاسخ به عملیات نفوذی ایران در جبهه شمالی دستور بمباران روستاهای کردنشین منطقه را صادر کرد.

- **گروهک منافقین** از رژیم عراق خواست حمله به شهرها و مناطق مسکونی ایران را از سر بگیرد.

• • •

۱۳۶۶/۴/۳۱ نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، قطعنامه شورای امنیت را نپذیرفت ولی آنرا رد نکرد.

• • •

۱۳۶۷/۴/۲۳ توسط جانشین **فرماندهی کل قوا** دلایل عقب‌نشینی‌های رزمندگان اسلام و برنامه آینده جنگ تشریح شد.

۱۳۶۷/۴/۲۶ تحرکات ارتش عراق در ارتفاعات **کلاشین و حاج عمران** به نبردی سنگین مبدل گشته و سرکوب شد.

- عراق روستاهای اطراف سردشت و پیرانشهر را گلوله‌باران کرد.

۱۳۶۷/۴/۲۷ ایران **قطعنامهٔ ۵۹۸** صلح سازمان ملل را پذیرفت.

- حضرت امام شخصیتهای سیاسی و علما را مأمور کردند تا در جلسه‌ای مسالهٔ پذیرش **آتش‌بس** را مورد بررسی قرار داده و آنرا اعلام نمایند.

۱۳۶۷/۴/۲۹ در سالگرد **فاجعه خونین مکه**، پیام مهم امام امت صادر گردید. طی این پیام علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام امت بیان شد.

۱۳۶۷/۴/۳۰ دبیرکل سازمان ملل برقراری آتش‌بس فوری میان ایران و عراق را اعلام کرد.

- عراق پیشنهاد کرد که مذاکرات تهران و بغداد رو در رو و در پایتخت‌های دو کشور برگزار شود، اما نماینده ایران در سازمان ملل این پیشنهاد را رد کرد.

۱۳۶۷/۵/۱ امام امت در دیدار با فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: **فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده، امروز روز حضور گسترده در جبهه‌هاست، ما در چهارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این به هیچوجه تاکتیک نیست.**

۱۳۶۷/۵/۲ ارتش عراق به سوی خرمشهر حمله‌ور شد و در حال حاضر پشت دروازه‌های خرمشهر زانو زده است.

- حمله عراق به جبهه **سومار** دفع شد.

- عراق پس از نبردهای تن به تن در **شلمچه، پل نو و شط علی اهواز** مجبور به عقب‌نشینی شد.

۱۳۶۷/۵/۴ گیلانغرب و سرپل ذهاب یکبار دیگر به اشغال ارتش عراق درآمد.

- نیروهای مردمی در **ایوانغرب** مانع از سقوط شهر شدند.

- **اسلام‌آباد غرب، کرند و سرپل ذهاب** با حمایت ارتش مزدور عراق به اشغال گروهک منافقین درآمد.

- مجلس شورای اسلامی برای حضور نمایندگان در جنگ و دفاع در جبهه تعطیل شد.

- کارشناسان سازمان ملل برای آماده ساختن زمینهٔ اجرای آتش‌بس وارد تهران شدند.

۱۳۶۷/۵/۵ نیروهای ایران به منافقین در مسیر **اسلام‌آباد- کرمانشاه** هجوم بردند.

- ۱۱۰۰ تن از منافقین در جریان نبردهای اسلام‌آباد غرب به هلاکت رسیدند.

- هزاران رزمنده تازه‌نفس از سراسر ایران به سوی جبهه هجوم بردند.

۱۳۶۷/۵/۶ «عملیات مرصاد»، در غرب کشور به منظور انهدام نیروهای ضدانقلاب و منافقین و آزادسازی مناطق اشغالی در اسلام‌آباد غرب آغاز شد.

- **تنگهٔ استراتژیک جبههٔ اسلام‌آباد** آزاد شد.

- حلقه محاصره در سه جبهه غرب لحظه به لحظه تنگ‌تر شد.

خبر - خبر

همایش بزرگ یادواره شهید فهمیده برگزار می‌گردد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای از اندیشمندان، هنرمندان، دانش‌پژوهان وعلاقه‌مندان دعوت کرد تا با ارائه طرح و پیشنهادهای خود در برگزاری همایش بزرگ یادواره شهید فهمیده سهیم باشند.

به گزارش روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بخشی از این اطلاعیه آمده است: به منظور شناسایی، احیاء و حفظ ارزشها و شخصیت نوجوانان حماسه‌ساز انقلاب اسلامی و تعمیم فرهنگ و تفکر بسیجی درمیان نسل جوان، اولین یادواره سراسری بزرگداشت شهید فهمیده و شهداء دانش‌آموز بسیجی کشور در ۸ آبان ماه «روز بسیج دانش‌آموزی» و سالروز شهادت این اسوهٔ شجاعت و ایثار در تهران و شهرستانها بامشارکت مجموعه‌ای از نهادها وهمیاری پویندگان و پیشگامان بسیج دانش‌آموزی برگزار می‌شود که برنامه‌های مختلفی تدارک دیده شده است.

همچنین در این اطلاعیه آمده است: **علاقه‌مندان می‌توانند هرگونه طرح، نظریه و پیشنهاد در زمینه‌های تحقیقاتی، آموزشی، ادبی، فرهنگی هنری، ورزشی، دفاعی، تاریخی و اجتماعی رابه نشانی یادواره واقع در خیابان شهید قرنی- بالاتر از میدان فردوسی جنب فروشگاه اتکا- ابتدای خیابان شهید فلاح‌پور- ساختمان انجمن سینمایی دفاع مقدس ارسال‌دارند.**

مرصاد، کمینگاه حق

■ دامنه نفاق

در ماههای نخستین سال ۱۳۵۹ در نشریه شماره ۴۳ سازمان، در پاسخ به برنامه رادیو عراق - که به مناسبت سالگرد اعدام بنیانگذاران سازمان از آنان تجلیل کرده بود - بیانیه‌ای صادر کردند، در بخشی از این بیانیه آمده بود.

«مدتی است که رادیو عراق، در برنامه فارسی خود از برخی نشریات مجاهدین استفاده کرده و دفاعیات شهداء و مواضع عقیدتی و سیاسی سازمان و برادران ما را مورد تجلیل قرار می‌دهد... لذا به مسئولان این رادیو هشدار می‌دهیم که اولاً: مجاهدین را اسباب ترفندها و معامله‌گریهای سیاسی خود قرار ندهند، همان معاملات وکنش و واکنشهای سیاسی که درگذشته نیز بر حسب آنها وقتی با شاه هم به توافق رسیدند، انقلابیون و ترقی خواهان ایران را از عراق اخراج نموده و رادیوشان نیز دفعتا چنان موضعی اتخاذ نمود که گویی دیگر در ایران هیچ خبری نیست... و انگهی مسئولان عراقی باید پذیرفته باشند که نمی‌توان به هیچ قیمتی مجاهدین خلق ایران را خرید و نه آنها را بازیچه معاملات سیاسی قرارداد!

در همین بیانیه منافقین افزوده شده بود:

«اگر کسی در عراق مدعی انقلابی‌گری و ترقی خواهی است، چه انقلاب فلسطین و چه گسترش یک دموکراسی انقلابی و مردمی، در داخل کشور خود بهترین صحنه آزمایش اوست و لذا اگر رادیوی بغداد داعیه احترام گذاشتن به سازمانها و چهره‌های انقلابی ایران را دارد، بهتر است راه نزدیکتر، یعنی داخل خود عراق را بپیماید»!!

و چندی بعد در نشریه شماره ۴۹ سازمان به «خلق و خوی فاشیستی عمال بعثی عراق» اشاره شده است و در نشریه فوق العاده مورخ ۵۹/۸/۱۰ چنین اعلام کرده بودند:

بانگاهی به حامیان مرتجع و وابسته در این تجاوز نظیر اردن و عربستان سعودی به سادگی می‌توان قضاوت نمود که رژیم بعثی عراق در این جنگ در خط امپریالیسم آمریکا قرار گرفته و در خدمت منافع امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها درآمده است.

منافقین در همین نشریه اعلام داشته بودند:

هیچ دلیلی برای پذیرش دعاوی رژیم عراق مبنی بر مترقی و مردمی و ضد صهیونیست بودن وجود ندارد... اگر عراق پای بند روشهای مترقی بود دیگر به هیچ وجه نمی‌بایست مأمن و پناهگاه ضد انقلابیون و سلطنت طلبان خائنی چون پالیزبان و امثال وی گردد.»

ماهیت فاشیستی رژیم عراق به اندازه‌ای روشن و بدیهی بود که منافقین الزاما به آن اعتراف کرده بودند. بنابر این حتی اگر از تمامی اسناد و مدارک و شواهد غیر قابل انکاری که از هویت سازمان به عنوان «جزئی از ابواب جمعی ارتش عراق» حکایت می‌کنند، صرفنظر شود حداقل اعتراف خود منافقین در این زمینه قابل توجه است. و اما باید دید از آن هنگام که منافقین رژیم عراق را دارای «خلق و خوی فاشیستی» دانسته و عراق را بخاطر اینکه «مأمن و پناهگاه ضد انقلابیون است» مورد شماتت قرارداده بودند و بااشاره به «حامیان مرتجع عراق نظیر اردن و عربستان سعودی» به نظر منافقین، به سادگی می‌شد قضاوت کرد که عراق در خدمت امپریالیست‌ها و صهیونیستها درآمده است. و جا دارد که باقرآن هم نوا شد که:

«والله یشهدان المنافقین لکاذبون»؛ **و خداوند گواهی می‌دهد که منافقین دروغگو هستند.**

شب قبل از عملیات منافقین مسعود رجوی در جلسه‌ای که به منظور توجیه نیروها در «مقر اشرف» بر پا گردیده بود، در پاسخ به فرمانده یکی از تیپها که از وی درباره «کالک عملیاتی» سئوال می‌کرد، به نقشه بزرگ ایران که بر روی دیوار پشت سر او نصب شده بود اشاره کرد و گفت:

«این کالک عملیاتی است، شما به آسانی و طبق جدول زمان‌بندی شده‌ای که در دست دارید به تهران خواهید رسید و باسرنگونی رژیم همه ایران در اختیار شما خواهد بود»!!

منافقین حاضر در جلسه باکف زدنهای پی در پی و سوت کشیدنهای ممتد سخنان سرکرده خودرا تائید کرده بودند. لازم به ذکر است که در ۳۰ خرداد ۱۳۶۷ (۲۰ ژوئن) یکصد و سی و هشت تن از نمایندگان کنگره و ۱۴ تن از سناتورهای آمریکایی طی نامه‌ای خطاب به «جورج شولتز» وزیر خارجه وقت این کشور از وی خواسته بودند.

«به رشد جنبشهای مقاومت داخلی در ایران توجه کند و در این راستا اعلام کرده بودند: استفاده از سازمان مجاهدین که مقر آن در عراق است اکیدا توصیه می‌شود...»

عملیات فروغ جاویدان

هدف منافقین از این حرکت که در عمق خاک ایران و باتانک‌های برزیلی دجله (دارای چرخهای لاستیکی بجای زنجیر و سرعتی معادل ۱۲۰ کیلومتر در ساعت) انجام می‌شد، تسخیر چندین شهر و در آخر رسیدن به تهران بود.

منافقین در نظر داشتند تا با وارد کردن ۱۳ تیپ نیروی رزمی در تهران، ضمن تسخیر و اشغال مراکز مهم قدرت را به خیال خود به دست گیرند. برطبق زمان‌بندی این طرح، نیروهای منافق بایستی ساعت ۶ بعدازظهر روز دوشنبه ۳ مرداد ماه به کرند و ساعت ۸ شب به اسلام آباد و ۱۰ شب به باختران رسیده و در این شهر دولت خویش را اعلام نمایند.

مقارن ساعت ۱۴/۳۰ در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ منافقین و ارتش عراق، عملیات مشترک خود را با هجوم زمینی از طریق «سرپل ذهاب» و هلی‌برد از جنوب گردنه «باطاق» (نزدیکی سرپل ذهاب) آغاز و به طرف شهر «کرند غرب» پیشروی نمودند و حدود ساعت ۱۸/۳۰ اولین تانکهای عراقی باآرم منافقین وارد شهر «کرند غرب» شدند و سپس به طرف «اسلام آباد» پیشروی کردند.

پس از تصرف شهر «اسلام آباد غرب» دشمن بااستفاده از تعداد زیادی تانک «دجله» و خودرو به همراه تعدادی از نیروهای پیاده در جاده اسلام آباد به طرف باختران حرکت کردند، لکن در منطقه حسن آباد (۲۰ کیلومتری اسلام آباد) به دلیل سازماندهی جدید و جمع آوری نیرو و نیز با توجه به رسیدن یگانهای منظم خودی زمین گیر شدند. نیروهای خودی نیز در فاصله ۲۰۰ متری آنان ارتفاعات «چهار زبر» ضمن تشکیل خط پدافندی با نیروهای دشمن و ایجاد درگیری، بعدازظهر روز ۱۳۶۷/۵/۴ با محاصره شهر اسلام آباد، ضمن پاکسازی و آزاد نمودن شهر، به منظور انسداد عقبه و راه فرار دشمن، سه‌راه اسلام آباد - کرند را قطع کرده و آنان را از دو سمت به محاصره درآوردند.

در اوایل صبح روز ۱۳۶۷/۵/۵ سه دستگاه از خودروهای منافقین که آرایش نظامی خاصی داشتند موفق به نفوذ به داخل خط نیروهای خودی شدند که خودرو اولی توسط نیروهای اسلام منهدم و به خودروهای دیگر خاراتی وارد آمد و تمامی سرنشینان (۱۳ نفر) معدوم شدند. از داخل خودروها نیز مقادیر زیادی مواد منفجره قوی، همچنین یک دستگاه شنود بی‌سیم و اسناد و وسائل دیگر بدست آمد.

همچنین در همان تاریخ منافقین باتعدادی نفر بر، قصد حمله به خط دفاعی نیروهای خودی در منطقه «چهارزبر» را داشتند که بامقاومت و مقابله رزمندگان اسلام تعدادی از آنها منهدم شد و بقیه با دفاع رزمندگان عقبنشینی کردند، توقف منافقین در گردنه حسن آباد سه روز طول کشید تا آنکه نیروهای خودی باسازماندهی و طرح منظم حساب شده در روز پنجشنبه ۶ مرداد ماه عملیات «مرصاد» را با رمز «یاعلی ابن ابیطالب علیه السلام» آغاز نموده و طی چندین ساعت صدها تن از منافقین را به هلاکت رسانده و مابقی را به فرار واداشتند. در این عملیات رزمندگان اسلام از قسمت سه‌راهی اهواز (پشت پمپ بنزین اسلام آباد) دشمن را دور زدند که تلفات زیادی به منافقین وارد شد، بطوریکه در ساعت ۱۱ به منافقین دستور عقبنشینی کامل داده شد در حین عملیات، هوانیروز با اعزام هلی کوپترهای کبری و نیروی هوایی با بمباران دقیق مواضع و ادوات منافقین، تلفات فراوان و موثری به آنان وارد ساختند.

در جریان عقبنشینی نیز، منافقین باگماردن عده‌ای از نیروهای خویش برای سرگرم ساختن نیروی خودی سعی نمودند تا از مهلکه بگریزند و ساعت ۲ بعدازظهرپس از زدوخورد شدید بین منافقین و نیروهای خودی، شهر اسلام آباد آزاد شد و عده‌ای از منافقین با عدم موفقیت در فرار، به کوهستان‌های اطراف پناه بردند.

در این عملیات بین ۱۶۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر از منافقین به هلاکت رسیدند و حدود هزار تن نیز مجروح شدند. دو تن از فرماندهان محورها و نیز چند فرمانده تیپ به همراه یکی از اعضای هیئت اجرایی در بین کشته‌شدگان بودند گفته می‌شد که حدود پانصد تن نیز در منطقه متواری شدند که جنازه پنجاه تن از آنان که زخمی بوده و یا در درگیری با نیروهای خودی کشته شده‌اند، بدست آمد. همچنین دهها تن از منافقین در این عملیات به اسارت در آمدند که در میان آنها برخی از فرماندهان و اعضاء رده بالای سازمان نیز وجود داشتند.

«... ومکروا ومکرا ... وا... خیر الماکرین»

بررسی علل تهاجم منافقین

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران همان گونه که عراق را در بن‌بست سیاسی و نظامی شدیدی قرارداد و توطئه‌های وسیعی را که از جانب استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی تدارک دیده شده بود نقش بر آب کرد بر گروهها و عناصر به اصطلاح «اپوزیسیون» نیز شوک شدیدی وارد ساخت، در این میان **منافقین به عنوان تنها گروهی که همه حیثیت(!) و هستی سازمان خود را در گرو جنگ، نهاده بودند، بیشترین صدمه و لطمه را از پذیرش قطعنامه توسط ایران متحمل شدند.** بنابراین برای خارج شدن از این بن‌بست، توطئه مزبور که ماموریت انجام آن به عهده سازمان محول شده بود توسط این گروه به مرحله اجرا درآمد.

منافقین سابقا در تحلیل‌های درون گروهی خویش - امکان قبول آتش بس از سوی ایران را غ

هابیلیان (پایگاه خبری، تحلیلی مطالعات تروریسم) www.habilian.ir

برای سعید جان‌بزرگی و همه ستاره‌هایی که خاموشی برایشان بی‌معنی است

شهروند درجه چندم بودی تو؟!

اصلاً تو که شهروند درجه یک نبودی! پس بودن و نبودنت چه فرقی می‌کرد؟!

اصلاً طبق کدام قانون و تبصره آن‌ها باید هواخواه تو باشند و یا حداقل به عبادتت بیایند و یا در مراسم تشییع جنازه‌ات شرکت کنند؟!

هجده ساله بودی که جانت را کف دستت گذاشتی و رفتی و درست چشم در چشم گرگ‌های تا دندان مسلح مردانه ایستادی.

اصلاً چه کسی به تو گفت: بجنگی، طبق کدام قانون و تبصره خانه و زندگی‌ات را ول کردی به امان خدا و تفنگ بر دوش و دوربین عکاسی بر گردن به بازار معامله جان رفتی؟!

تو یک سعید ساده بودی که قلبت برای انقلاب، برای ارزش‌های آن، برای مردم، برای جوانان و برای همه اعتقادات مولایت می‌تپید؛ تپشی زلال‌تر، استوارتر و خدایی‌تر از تپیدن قلب همه سعیدهایی که فقط بلدند با قلم‌هایشان که دیگر بوی یاس نمی‌دهد به جان این ملت بیفتند و این و آن را تا می‌توانند به جان هم اندازند و دست آخر به عقوبت عمل خویش، تصویر تپش قلبشان بر روی دستگاه‌های بیمارستان، رسوایشان کند و آن وقت دنیا را جار بزنند که ای وای...

تو آن سعید نبودی که همه برایت پیام بدهند، آخر با هیاهو و جنجال ذهن ملت را خط‌خطی نکرده بودی و صفحات روزنامه‌ها را.

تو آن سعید نبودی که لحظه لحظه حضورت را در بیمارستان گزارش دهند، به دیدنت بیایند. برایت یقه چاک دهند و برای بدخواهانت خط و نشان بکشند.

هجده سالت بیشتر نبود و جدا از همه هجده ساله‌ها، چشم‌هایت را به روی دانشگاه به روی آینده، به روی «دنیای بستی» و در سرزمینی چشم گشودی که هرچه بود دود بود و آتش و گلوله و عشق؛ عشق به ولایت به امام به روح!...

و وقتی از آن جنگ هشت ساله برگشتی، شده بودی یک کلکسیون پر از انواع و اقسام سوغاتی‌های جنگ و با یک دوربین پر از خاطره‌های قاب شده آن دوران حماسه و غزل.

و پس از آن بازهم زندگی و برای تو سنگری دیگر و تو در این سنگر هم پیشتاز بودی و صف‌شکن و البته نه مثل آن سعیدها، بلکه آرام و پرصلابت عاری از هر هیاهو و رجزخوانی.

و شاید همین بود که آنقدر گمنام بودی، آنقدر گمنام که فقط می‌شد نشانت را از ستاره‌ها پرسید آنقدر گمنام که دیگر برای نسل‌های تازه‌نفس هم قهرمانی هایت ناآشنا بود و خودت هم که تو خود قهرمان همه نام‌آوری‌ها بودی و بدن پر از دردت دلیل محکم این ادعا!

هرچند این اواخر بدنت شده بود پر از درد، هرچند دیگر شده بودی؛ فقط یک جسد که با زجر دستگاه‌های مختلف، نفست می‌آمد و می‌رفت، ولی همچنان ستاره بودی و می‌درخشیدی و فقط خدا می‌داند که در آن لحظات آخر، چقدر مادرت سعید سعید گفت!

لااقل به‌خاطر دل بزرگ او هم که شده چشم‌هایت را باز می‌کردی؛ اگرچه برای یک لحظه! و...

وقت اذان ظهر، آن هنگام که همه خسته از کار روزانه به خانه‌هاشان باز می‌گشتند، تو بال گشودی و پرکشیدی؛ فارغ از همه چیز و همه کس.

و این بار درخشانتر از همه ستاره‌ها می‌درخشیدی!

و به همه سعیدها ثابت کردی که ستاره حتی اگر سوسو بزند، حتی اگر پرپر شود، آسمان هرگز خالی از آن نمی‌شود؛ که آسمان بدون ستاره آسمان نیست!

سعید همیشه جاوید؛ شهید!

پیکرت که شده بود کعبه دیدگان و بر دست‌ها و سرها، ساده و صادقانه، تا بهشت زهرا و همسایگی سید شهیدان اهل قلم تشییع شد، به همه آن‌هایی که فراموش کرده‌اند بعضی چیزها قانون نانوشته دارد، نشان داد که: «ته خطی وجود ندارد»!

سعید جان بزرگی، شهروند درجه چندم؟! می‌خواستم از تو بپرسم؛ طبق کدام قانون و کدام تبصره، این چنین گمنام و سبکبال بر بال فرشته‌ها رفتی؟

عاطفه صادقی دره‌بیدی- کازرون،
دانشجوی علوم سیاسی- مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم

۱- قسمتی از دیالوگ فیلم ازانس شیشه‌ای ساخته‌ی ابراهیم حاتمی‌کیا

۱۳۶۷/۳/۳۰

یکصد و سی و هشت تن از نمایندگان کنگره ملی ایالات متحده و چهارده سناتور آمریکایی طی نامه‌ای خطاب به آقای «جرج شولتز» وزیر خارجه وقت این دولت، از وی خواسته بودند به رشد «جنبشهای مقاومت داخلی(!) در ایران توجه کند و در این راستا اعلام کرده بودند: «استفاده از سازمان مجاهدین خلق که مقر آن در عراق است اکیداً توصیه می‌شود...»

۱۳۶۷/۴/۶

خیابان مقابل ساختمان کنگره ملی ایالات متحده شاهد تظاهراتی چندصدنفره توسط گروهی از هواداران و اعضای گروهک تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) بود. در کمال تعجب سخنران اصلی این به اصطلاح میتینگ سیاسی آقای «مروین دایملی» نماینده ایالت «اوهایو» در کنگره بود. این نماینده پس از سرازیر کردن فحش و ناسزا به دولت جمهوری اسلامی و دادن نسبتهای دروغ به رهبران این نظام و تمجید فراوان از مجاهدات این گروهک تروریستی با اطمینان خاصی خطاب به حاضران در صحنه گفت: «نباید دست از تلاش کشید، مطمئن باشید که با کمی صبر و تلاش بیشتر، بزودی از مهران به تهران رژه(!) خواهید رفت.»

۱۳۶۷/۴/۲۷

ساعت چهارده، صدای جمهوری اسلامی ایران طی خبری کوتاه از پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران خبر داد. جمهوری اسلامی در این موقعیت زمانی واجد بحرانی‌ترین شرایط اقتصادی بود و ازنظر بین‌المللی باتحریک قطب‌های استکباری در انزوایی شدید قرار داشت همچنین درگیر نبردهایی سخت در مرزهای جنوبی و غربی کشور برای سدکردن راه ارتش تا دندان مسلح عراق بود.

• • •

بدون تردید ابرقدرتهای استکباری جهان و به‌تبع آنها عراق و همچنین جریانات و گروههای ضدانقلاب مستقر در داخل و یا خارج از کشور، حتی در دورترین افقهای ذهن خود نیز تصور نمی‌کردند که امام خمینی قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد. تمامی قدرتهای بزرگ بااتکا به امپراطوری رسانه‌ای خود به افکار عمومی جهانیان قبولانده بودند که جمهوری اسلامی، جنگ طلب بوده و رژیم عراق درپی صلح و ثبات در منطقه است و در پوشش همین القائات تبلیغی سنگین حرکات وحشیانه و بی‌سابقه خود را علیه ملت ایران- مانند سرنگون کردن هواپیمای ایرباس در ۱۳۶۷/۴/۱۲- «موجبه» قلمداد نموده و رسماً اعلام می‌کردند باید «ریشه ملت ایران» که صلح جهانی و ثبات منطقه استراتژیک خاورمیانه را به مخاطره انداخته است «خشکانده» شود. براساس همین زمینه‌ها برنامه‌ای تدارک

مرداد ۱۳۶۷، تنگه «چهار زبر»، لبیک دیگری از امت به امام(ره)

سراب منافقین «مرصاد» انقلاب

محمدعلی صمدی

*** این حضور بی‌سابقه مردمی که نظیر آن حتی درروزهای ابتدایی جنگ مشاهده نشده بود آخرین امیدهای دشمنان را نقش برآب کرد.**

دیده شده بود تا بدون کمترین بازتاب جدی بین‌المللی اصل نظام جمهوری اسلامی مضمحل شده وباتوجه به اتمسفر حاکم بر افکار عمومی جهان با یک ضربه اساسی برای همیشه شر انقلاب اسلامی از سر قدرت‌مداران جهان کم شود. قرار بر این بود که با تداوم جنگ، درست در سالگرد هشتمین سال آغاز آن، با کامل شدن توطئه‌های رسانه‌ای در سطح بین‌المللی، و با توجه به فرسایش و اضمحلال پایه‌های مردمی نظام حاکم بر ایران بر اثر خستگی از «جنگی بی نتیجه»(!) نیروهای مسلح، سازمان منافقین وارد خاک ایران شده و به راحتی خود را به اعماق این کشور برسانند و غائله‌ای خونین برپا نمایند. به این ترتیب زمینه برای دخالت قدرت‌های بزرگ تحت پوشش «خاتمه به ناامنی در منطقه» و باعنوان فریبنده «جلوگیری از ریختن خون مردم» فراهم می‌شد و این امر نقطه پایانی بر حکومت ده ساله «ولایت فقیه» در ایران می‌گشت.

با قبول قطعنامه ۵۹۸ تمامی این بافته‌ها و رویاهای شیرین دشمنان تابلودار، جمهوری اسلامی رو به آشفتگی گذاشت و همه معادلات برهم ریخت. گروهک منافقین به عنوان تنها گروه اپوزوسیون که همه حیثیت و آینده سیاسی خود را در گرو تداوم جنگ و تبعات آن نهاده بود، بیشترین صدمه و لطمه را از پذیرش قطعنامه از سوی ایران متحمل شد، برای استفاده از آخرین فرصت رسیدن به سراب‌های خود به تقلا افتاد و برای خروج از این بن‌بست تغییراتی شتابزده در برنامه طراحی شده غرب به وجود می‌دانند. ورود ستون نظامی منافقین از طریق جاده آسفالت و با تانکهای تایر لاستیکی برزیلی، تابلو تمام نمای حماقت منافقین بود، و جالبتر اینکه نیمی از این لشگر «سلم و تور» را بانوان تشکیل می‌دادند. اینان با پشتیبانی عراق و استفاده از غیبت نیروهای مسلح در غرب - به دلیل حضور در پاتک پر حجم عراق در جبهه‌های جنوب - توانستند تا نصرف اسلام‌آباد پیشروی نمایند، اما شروع ضد حمله قوای اسلام تحت عنوان «عملیات مرصاد» تنگ «حسن آباد» را تبدیل به «مرصاد» خائنین وطن فروش نمود. عملیات «مرصاد» نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی بود، نه به خاطر پیروزی قاطع و تاریخی‌اش بلکه به جهت ورود

آمد. به این ترتیب حمله نیروهای مسلح گروهک رجوی دوماه جلو افتاد و...

• • •

باقی ماجرا را همه می‌نمودند، بدون تأمل رو به سوی جبهه‌ها کردند. این عکس‌العمل ملی باخبر ورود منافقین و پیشروی آنان در غرب کشور سرعتی صد چندان گرفت. به گونه‌ای که در عرض دو یا سه روز «پادگان دوکوهه» لبالب از نیروهای داوطلب گردید. هجوم مردم به مراکز اعزام نیرو در شهرها به قدری بود که عملاً امکانات اعزام آنها به جبهه‌ها وجود نداشت. در بعضی از شهرها تمامی خودروهای سنگین، اعم از کامیون و اتوبوس به صورت داوطلبانه فعالیت‌های روزمره خود را تعطیل کرده و اقدام به انتقال بسیجیان به جبهه‌ها نمودند. این تراکم بی‌سابقه نیروی انسانی در جبهه‌ها فرماندهی نیروهای مسلح را حتی با مشکل تامین سلاح انفرادی و غذای روزانه نیروها مواجه ساخت. هر لحظه هم بر تعداد نیروهای منتظر در عقبه جبهه برای حرکت به سمت محورهای عملیاتی افزوده می‌شد. به این ترتیب در زمانی که همه رسانه‌های خارجی و نظریه‌پردازان غربی و عناصر وابسته داخلی از بریدن مردم از انقلاب و امام (ره) سخن می‌گفتند و پایگاه مردمی حکومت جمهوری اسلامی را از میان رفته فرض می‌کردند، این حضور بی‌سابقه که نظیر آن حتی در روزهای ابتدای جنگ مشاهده نشده بود آخرین امیدهای دشمنان را نقش بر آب کرد و باعث شد که دشمنان انقلاب اسلامی رسماً جبهه نظامی در برابر انقلاب را تعطیل کرده وبه تهاجمات فرهنگی و سیاسی معطوف شوند آیا امت شهیدپرور ایران از این جبهه نبرد سربلند و پیروز خارج خواهد شد؟

*** ورود ستون نظامی منافقین ازطریق جاده آسفالت و با تانکهای تایر لاستیکی برزیلی تابلو تمام‌نمای حماقت منافقین بود.**

برای یکی از گل‌های «مسجد جوادالائمه»، شهید «عبدالمجید رحیمی»

مردان خدا

محمدرضا اصلانی

بابا یک نظامی پایبند و تابع مقررات بود. او، بشکه بارونی بود که ممکن است با هر حرفه‌ای منفجر شود. شبها به موقع می‌خوابیدیم. صبح‌ها، خیلی زود از خواب بیدار می‌شدیم. در خانه ما، زندگی و گذشت عمر، نظم و نسق و قاعده و قانونی داشت که در کمتر خانه‌ای وجود داشت.

نوجوان بودم و رئیس ستیز. کسی که نمی‌دانستم کیست، کسی که با من نبود اما، هرگز از من جدا نمی‌شد، شبها آتش ناآرامی و بیقراری را در مجمر دلم برمی‌افروخت. از مقررات نانوشته خانه سرپیچی می‌کردم و به عاقبت کار نمی‌اندیشیدم...

شب بود و همه خفته بودند. آهسته از بستر برمی‌خاستم و به اتاق کوچک آنسوی حیاط می‌رفتم. چراغ را روشن می‌کردم و می‌نوشتم. ستاره‌ها می‌دیدند و رازم را برملا نمی‌کردند.

در یکی از همان شبها، برادر بزرگم به آرامی آمد و در کنارم نشست، هنگامی متوجه آمدنش شدم که دستش را روی شانه‌ام انداخت و آشکارا نوشته‌ام را خواند. بعد از آن شب، من و او، دو دوست صمیمی و همدل شدیم.

در آن سالها، دوست داشتم که مثل بزرگترها سبیل داشته باشم. اما نداشتم. می‌خواستم موهای آشفته و بلند داشته باشم. اما، بابا هر دو هفته یکبار ما را به سلمانی می‌فرستاد تا با نمره یک موی سرمان را ماشین کنیم. لازم می‌دانستم که حتماً سیگار به دست بگیرم. ولی مطمئن بودم که این کار را نخواهم کرد. از من تا کسانی که هنرمندشان می‌پنداشتم، فاصله‌ای بود که هرگز به پایان نمی‌رسید. و من، فقط عکس آنها را جمع می‌کردم...

حالا این طور فکر نمی‌کنم. از روزی که عکس تو را دیدم، باورم شد که یک هنرمند می‌تواند هیچکدام از این ویژگیهای شکلی و ظاهری را نداشته باشد، اما هنرمند هم باشد. هنرمند می‌تواند کسی باشد که حتی در تمام عمر خود یک بیت شعر نسروده، یک قصه کوتاه ننوشته، و یک نقاشی ساده هم نکشیده باشد. اما، آخرین برگ از کتاب عشق را هم خوانده باشد.

در میان عکس شهیدان، عکس تو، بهترین عکسی است که در تمام عمر دیده‌ام، نه به خاطر اینکه در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران به شهادت رسیدی، نه به خاطر اینکه بچه محل ما هستی، نه به خاطر اینکه پس از شهادت تو- در اولین سال انقلاب- فهمیدم که با «عبدالمجید رحیمی» سالها بچه محل بوده‌ام و در نزدیکی مسجد جوادالائمه زندگی کرده‌ایم و هرگز نمی‌دانستم، نه، نه...

به خاطر اینکه در سیمای نوجوان تو چهره مردان خدا را دیدم.

«تو» هنرمند بودی و شهادت هنر تو بود، هنر مردان خدا. به عکست خیره مانده بودم. سرت را به کف دست تکیه داده بودی و نگاه مهربانت افق دور و روشن را می‌نگریست. بر لوح پیشانی و در صورت جوانت جای پای اندیشه‌های خدایی پیدا بود.

آفتاب تبسم لبهایت، سایه غم و اندوه را از چهره پاک کرده بود.

«تو» از عمق دل شاد بودی. به آفتاب می‌اندیشیدی و به جاده‌های روشنایی نگاه می‌کردی؛ مثل هنرمندان عاشقی که من نمی‌شناختمشان.

زمزمه‌ها و لاله‌ها

بوی پیراهن تو

برگ پاییز شدی ریختنت را دیدم
روی دستان ملائک بدنت را دیدم
تو که رفتی به خدا داغ به قلبم دادی
آیت‌الکرسی روی کفنت را دیدم
مثل چوپان غریب وطن مادری‌ام
پشت وزن غزلم، نی‌زدنت را دیدم
بی‌تو اینجا همه آینه‌ها، تب دارند
من خودم مهر سکوت دهنت را دیدم
می‌روی و به خدا می‌سپری شعرم را
بارش درد، زچشمان ترت را دیدم
رفتی اما دل من باور این داغ نداشت
تا که اعلامیه پر زدنت را دیدم!
بوی پیراهن تو قافله سالارم شد
مثل یعقوب شدم گم شدنت را دیدم
به خدا پاکی تو درنظرم ثابت شد
تا که آن «زخم» سر پیرهنت را دیدم!
از تو پنهان که نشد، قافیه کم آوردم
با سماع غزلم، سوختنت را دیدم...

زلیخا رضوانی- انجمن شعر و ادب کلاراباد

گفت و گو با جانباز تفحص «اردشیر احمدوند»

یک آدم پنجاه و هفتی!

اشاره:

عاشق دیگری از خیل عشقبازان میدان مین، مرد جان بازی‌اش را ولو اندک گرفت و این روزها میهمان ماست؛ در بیمارستان حضرت بقیه‌ا... الاعظم.

«اردشیر احمدوند» نام اوست. مچ دست راست، بخشی از دست چپ، و اندکی از بینایی دید گانش را همین چند روز پیش به فرشته‌ها قرض داده است.

دو تن از علاقمندان صفحه «فرهنگ مقاومت» با وی به گفت و گو نشسته‌اند. و در این راه سپاسگزارند از برادر مازیار کرمعلی و سایر پرسنل محترم بخش چشم بیمارستان بقیه‌ا...

آنچه در ادامه می‌آید همان گفت‌و گوست.

■ به عنوان اولین سوال می‌خواهم از خود بگوئید و از جنگ، هرچند به عقیده بنده بچه‌هایی که در این سالها مخلصانه و بی‌سر و صدا وارد کار تفحص و پاکسازی شده‌اند از خود گذشته‌اند.

• اینجانب اردشیر احمدوند اهل شهرستان نهاوند و پاسدار رسمی عضو گروه مهندسی ۴۲ امام علی (ع) سپاه هستم. ما نیز مثل خیلی از دوستان و یاران از تابستان ۶۲ بود که با سن ۱۶ سالگی وارد معرکه جنگ شدیم و با تنی چند از رفقا در عملیات والفجر ۲ شرکت کردیم که امیدواریم خداوند قبول نماید. پس از آن در زمستان ۶۲ برای عملیات والفجر ۵ به چنگوله رفتیم و خاطره من از این عملیات این است که منطقه‌ای که ما قصد عبور از آن را داشتیم تماما تپه ماهور بود و راه عبور ما یک گردنه بین دو تپه بود، قبل ازعملیات فرماندهان سپاه نزد حضرت امام (ره) می‌روند و موقعیت منطقه و طرح عملیات را تشریح می‌کنند حضرت امام (ره) می‌گویند: شما بروید دشمن در آنجا کور می‌شود. در شب عملیات بنده در حال عبور دیدم که روی تپه‌ها دوشکاهای دشمن مستقر بود و شب هم کاملا مهتابی بود. تمامی بچه‌ها حال عجیبی داشتند، بنده که می‌گفتم الان کار تمام است و تمامی ما شهید می‌شویم! باور نمی‌کنید، نیروها که به سینه کش گردنه رسیدند گرد وخاک عجیبی بلند شد که ما حتی همدیگر را نمی‌دیدیم و دست هم را گرفته بودیم. از گردنه که رد شدیم اوضاع عادی شد و ما حدود ۴ کیلومتر پشت سر دشمن بودیم و با دور زدن نیروهای بعثی عملیات را با موفقیت به پایان رساندیم. بعد از آن هم در جبهه‌های دیگر در فاو، شلمچه، ماووت و ... به خدمت مشغول بودیم.

■ از چه زمانی وارد کار پاکسازی شدید؟

• بعد از جنگ ما را مدتی در کارهای اداری تیپ حبس کردند و به ما تحمیل شد که خیلی برایم زجرآور بود و با روحیه ما سازگار نبود بالاخره با کلی التماس و درخواست از آنجا خارج شدیم و همان موقع بود که گردان تخریب در حال شکل گیری و شروع به کار در مناطق آلوده بود و ما نیز در اوایل سال ۷۲ بود که به آنها پیوستیم.

■ درباره مساله جانباز شدن خود در این عرصه نیز لطفا توضیح دهید.

• در زمان جنگ در مهران، در فاو، و در ماووت عراق افتخار مجروحیت را داشتم و این بار در تاریخ ۸۱/۴/۱ در منطقه‌ای حوالی پیرانشهر بود که شروع به کار کردیم. سخت‌ترین قسمت‌های منطقه را نیز کار کردیم در یک قسمت از میدان مین شیب تندی بود که علف‌های بلندی نیز داشت ما ابتدا با داس علف‌ها را درو می‌کردیم و سپس با مین‌یاب به جستجو می‌پرداختیم و در صورت یافتن مین با سیخک آن را خارج می‌کردیم. آن روز تا ساعت ۵ در میدان بودیم که آن قسمت تمام شد. فرمانده گردان به ما گفت: بچه‌ها خسته‌اید بروید برای استراحت. اما من گفتم شما اجازه بدهید تا ساعت ۶ کار کنیم. ایشان گفت: اگر خود مایلید من حرفی ندارم ما بچه‌ها استراحت کردیم و دوباره مشغول به کار شدیم ساعت ۵/۳۰ بود و من ۳ مین را تا آن لحظه بعد از استراحت خنثی کردم. روی مین چهارم بودم و آن را از زمین درآوردم شاید باور نکنید بنده در این چند ساله پاکسازی با مین‌ها برخورد خاصی نداشته‌ام اما برای اولین بار با این مین شروع کردم به سخن گفتن، خیلی برایم جالب بود، چندین بار مین را ورانداز کردم از لحاظ شکل ظاهری کاملا سالم بود چون ما مین‌هایی را که از لحاظ ظاهر مشکل دارند خنثی نمی‌کنیم و با احتیاط منهدم می‌کنیم، اما این مین از لحاظ شکل ظاهری هیچ مشکلی نداشت به مین گفتم: ای مین! بیا مردانگی کن و این دفعه را منفجر نشو. و شروع کردم به خندیدن. طوری که دوست ما که در حوالی ما کار می‌کرد گفت: فلانی چه شده است من تا به حال این حالت‌ها را در میدان از تو ندیده‌ام. من گفتم: چیزی نیست یک موضوعی در ذهن ما باعث خنده شد. بنده ابتدا گل و لای اطراف مین را گرفتم و با انگشت اشاره و شست دست راست در حال چرخاندن چاشنی بودم که ناگهان مین منفجر شد.

حدود ۳۰ ثانیه‌ای من فکر می‌کردم انفجار برای دوستم رخ داده است اما کم کم در ناحیه مچ دستم درد را حس کردم و در این موقع سعی داشتم ایستاده خودم را نگه دارم و در آن لحظه حمله معروف شهید چمران به خاطرم آمد که گفته بود: ای پاهای من! چند لحظه دیگر به من مهلت دهید و... اما ما کجا و شهید چمران کجا؟ در همان حین به پشت افتادم و حس کردم دست راستم از مچ قطع شده است و دست چپم نیز آسیب شدید دیده است چشم راستم نیز خونریزی داشت و نمی‌دید و در ناحیه چشم چپ نیز ترکش نشسته بود. دیدم که بچه‌ها روی سرم بودند و ناراحتی می‌کردند اما گفتم: چیزی نشده ناراحتی ندارد. بعد ما را از میدان انتقال دادند.

■ شما که در جنگ به تکلیف خود عمل کردید چه شد که وارد پاکسازی شدید؟

• هر کسی باید وظیفه خود را انجام دهد، ما هم خیلی از رفقایمان از جمله برادرم را در جنگ از دست دادیم، کسی نمی‌تواند بگوید فقط فرزند من یا برادر من شهید شده است چرا که شهدا متعلق به همه ملت ایران هستند. در حقیقت پس از جنگ وقتی من در پادگان بودم احساس غریبی به من دست می‌داد و جو برای من بسیار سنگین بود و گاهی با فرمانده‌ها نیز جر و بحث می‌کردیم. شعری است که می‌گوید: میدان سجاده و مین مهر عشق است یاران! و حال آنهایی که میدان مین رفته‌اند می‌توانند حال و هوای آن را درک کنند، هر چه بنده سعی کنم نمی‌توانم آن را وصف کنم.

جنگ تمام شده بود و هنگامی که من دست بچه‌ام را می‌گرفتم و چشمم به فرزندان شهدا می‌افتاد فشار سنگینی به من می‌آمد و تحمل این امر برایم سخت بود اصلا نمی‌توانستم در کارهای اداری تاب بیاورم. الان هم به فرماندهانم گفته‌ام و آنها را مدیون کرده‌ام که به من اجازه برگشت به میدان مین را بدهند. آخر شنیده‌ام پروژه‌هایی وجود دارد که به جای دست‌ها وصل می‌شود و می‌شود با آنها کار کرد که اگر برایمان تهیه شود می‌خواهم از بیمارستان به میدان مین برگردم. بنده در زمان جنگ سه بار مجروح شدم، می‌توانید به بنیاد جانبازان نهاوند بروید و تحقیق کنید که فلانی چند بار برای درصد آمده است، آخر یک بار خودشان ما را خواستند و ۱۵٪ برایمان زدند. در صورتی که از زانو تا مچ پای راست بنده پلاتین است، سرم و دستم نیز ترکش خورده است مقداری هم از مواد شیمیایی منطقه و امواج فیش برده‌ام ولی خدا می‌داند دنبال این مسایل نبوده‌ام ما به این مسائل احتیاج نداشته و نداریم و از خداوند می‌خواهیم پس از این نیز ما را گرفتار این مسایل نکند. من باید دوباره به تفحص برگردم نمی‌توانم در خانه یا جای دیگر بمانم.

■ با خاطره‌ای دیگر از روزهای عشق و حماسه ما را میهمان می‌کنید؟

• یک بار در اوایل عملیات والفجر ۸ در جاده فاو- ام‌القصر بودیم در آن موقع تازه تانک‌های تی ۷۲ روسی روی کار آمده بود و عراق استفاده می‌کرد. ساعت ۳/۵ بامداد بود که شهید علی چیت‌سازیان فرمانده اطلاعات و عملیات تیپ ما به جمع گردان ما آمد و گفت: بچه‌ها آماده باشید که صبحانه آش تانک داریم! من در آن لحظه سر پست بودم و سیاهی‌های فراوانی را می‌دیدم و با دوربین مادون که نگاه کردیم متوجه شدیم دشت از تانک‌ها سیاه شده است خلاصه درگیری شروع شد بچه‌ها ابتدا هرچه آرپی‌جی به تانک‌ها می‌زدند کارگر نمی‌افتاد و اثر نمی‌کرد. طلبه‌ای بود معروف به شکارچی تانک، ایشان پس از تحقیق سریعی که انجام داد برگشت و گفت بچه‌ها در زیر لوله تانک یک نوری کوچک است که با داخل تانک ارتباط دارد شما باید گلوله آرپی‌جی را درست به آنجا بزنید و یا در داخلی شنی بزنید که از حرکت بازبماند و خودش با همین راهکار اولین تانک را منفجر کرد و بقیه بچه‌ها هم دست به کار شدند و سپاه ابرهه که با تانک آمده بود را متوقف کردند.

■ چه توصیه‌ای برای هم سن و سال‌های ما دارید؟

• بنده در حدی نیستم که بخواهم توصیه‌ای کنم. ما در جنگ مگر چه داشتیم جز ایمان و توکل. در مقابل ما عراق تا بن دندان مسلح بود با پشتوانه بلوک شرق و غرب. ما در ابتدا با برنو با آنها می‌جنگیدیم. ما حتی طریقه جنگ کلاسیک را بلد نبودیم منتهی همه‌اش لطف و یاری حضرت حق بود چرا که ملت ما هدف داشت آن هم هدفی مقدس و متعالی که خداوند بود و در این منطق شکست معنا ندارد. براستی کسی نمی‌تواند ایثارگری‌های آن زمان را بیان کند، بنده در جنگ دیده‌ام که بسیجی ما تن به تن با تانک جنگیده است حال چگونه می‌توان این را ترسیم کرد اصلا از وصف خارج است در حال حاضر هم خدا را شکر که سایه سید ما روی سرماست و گوش به فرمان ایشان هستیم و در پاکسازی هم ما به فرمان ایشان وارد کار شدیم، مقام عظمای ولایت تکلیف الهی ما را روشن کرده است ما باید پیرو ایشان باشیم و از اوامرش پیروی کنیم باید مو به مو به دنبال سخنان ایشان باشیم.

هنگامی که قصد خروج از اتاق ایشان در بیمارستان را داشتیم نکته‌ای که یکی از بیماران هم‌اتاقی ایشان گفت نیز جای شنیدن دارد. ایشان به ما گفت: من زمانی که ایشان را دیدم یاد عرفان زمان جنگ افتادم، بنده حدود ۳ سال در منطقه بودم. ایشان را که دیدم به یاد آن روزها افتادم، نمازی که ایشان روی تخت می‌خواند ما را از حال این دنیا بیرون می‌برد و از خود خجالت می‌کشیم، من درست یاد بچه‌های مخلص سال ۵۷ افتادم، بچه‌های پاک و بی‌آلایش و مخلص اوایل انقلاب و جنگ. راستی روحیه عالی ایشان به ما درس می‌دهد. یکسری از بسیجی‌ها مثل بنده عوض شده‌اند من آدم گذشته نیستم اما ایشان همان آدم پنجاه و هفتی است که اصلا عوض نشده است خداوند ایشان را برای جامعه ما حفظ کند.

*** من باید دوباره به تفحص پیکر شهدا برگردم، نمی‌توانم در خانه بمانم.**

*** ما به این مسائل احتیاج نداشته و نداریم و ازخداوند می‌خواهیم که پس از این نیز ما را گرفتار این مسائل نکند.**

گفت‌وگو و عکس: مهدی عجم، سید امین درخشان

براساس خاطره‌ای از شهید معظم غلامرضا پروانه از سبزوار

عطر بهشتی

*** گفت: دستور رسیده همه اسیر شویم، هرکس مقاومت کند شهید به حساب نمی‌آید.**

بوی عطرش پیچید.

بالاخره پیدایش شد، کاغذ به دست و قلمی که پشت گوشش گذاشته بود.

لبخندی زد، سرک کشید توی سنگر، بعد از سنگر بیرون رفت. دنبالش رفتم. غروب ته خاکریزها را پوشانده بود و او نشسته بود روی خاکریز و اندامش در غروب قاب شده بود.

از خاکریز بالا رفتم. نیمرخ روشنش مرا به وجد می‌آورد، لحظه‌ای سکوت کردم لب گشود و گفت: مرتضی چه احساسی داری؟ من که در آسمان خون می‌بینم، نمی‌دانم فردا چه خواهد شد، بعد سربلند کرد و میشی چشمانش را به آسمان دوخت، آهی بلند کشید و در ادامه گفت: احساس زیبایی، یک احساس خاصی دارم و من در جوابش فقط سکوت کردم.

صدای صلوات از توی سنگر بلند شد، بعد از لحظاتی صدای سوت خمپاره و غلامرضا خیس وضو به طرف سنگر می‌رفت. نگاهش می‌کردم که داشت آماده خواندن نمازشب می‌شد. من هم وضو گرفتم و پشت سر او به نماز ایستادم.

شب هنگام خیس عرق از خواب پریدم، رو به رویم نشسته بود و به من لبخند می‌زد. هنوز پای سجاده‌اش بود گفت: چه شده؟ گفتم: خواب دیدم که با تو به سبزوار رفته‌ایم، وقت نماز عده‌ای اصرار کردند که پا به من پا به تو اقتدا کنند. من از تو خواستم بپذیری و تو امامت جماعت را قبول کردی، نمازمان که تمام شد، سیدی نورانی به تو شیشه‌ای عطر داد و گفت: خوش آمدی با سجاده‌ات و تو را در آغوش کشید. غلامرضا لبخندی زد، هیجانزده بود و چهره‌اش از شادی برق می‌زد. چشم دوختم به دهانش تا حرفی بزند اما هیچ نگفت.

• • •

عملیات آغاز شده بود، ما از آب می‌گذشتیم و هلیکوپترهای دشمن قایقهای ما را می‌زدند، صدای صوت خمپاره‌ها می‌آمد و غلامرضا آرپی‌جی عمل نمی‌کرد. زیر لب دعا می‌خواندیم که شاید اتفاقی بیفتد. صدای بیسیم بلند شد خش‌دار و ناموزون و قطع شد. غلامرضا با بیسیم تماس گرفت. مسئله را با فرمانده درمیان گذاشت. ناگهان چهره‌اش درهم رفت، همه نگاهش می‌کردیم، خیس عرق، دعاهامان هنوز هم ادامه داشت. غلامرضا گفت: دستور رسیده همگی اسیر شویم، هرکس مقاومت کند شهید به حساب نمی‌آید.

همه متعجب بودیم، باید چه می‌کردیم؟ خمپاره‌ها سوت می‌کشیدند و در آب می‌افتادند قایقها درهم می‌شکستند. غلامرضا قامت نماز را بست. ما همه باهم زمزمه می‌کردیم، ناگهان خمپاره‌ای نزدیکش فرود آمد، عطر و جانمازش کنارش افتاده بود.

ارسالی: معاونت پژوهش و تبلیغات اداره کل بنیاد شهید انقلاب اسلامی خراسان